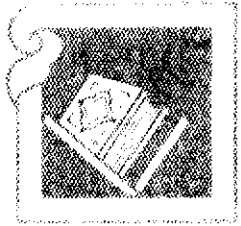


# نقدی بر ترجمه آقای عبدالمحمد آیتی از قرآن کریم



محمدعلی کوشا

ارائه ترجمه‌ای رسا از قرآن کریم به زبان فارسی از دیرباز مورد توجه و اهتمام قرآن پژوهان ادیب و آگاه بوده است. پارسی‌زبانان دانشمند، هریک به اندازه‌ی وسع و توان علمی خویش، از قرون گذشته تا حال، دهها اثر ارزشمند در زمینه ترجمه قرآن کریم از خود برجای گذارده‌اند. در میان آنان، کسانی که شیوه‌های هنر را در ترجمه قرآن با اسلوب ادب درهم آمیخته‌اند و معنا را با حفظ محتوا عرضه داشته‌اند آثارشان مطلوبتر و موفق‌تر بوده است.

مترجم قرآن علاوه بر آشنایی کامل با دو زبان، اگر به ذوق سرشار و سرمایه ادب و هنر و صفای روان آراسته باشد؛ یعنی عنصر علم و هنر که قلمرو هریک جدای از دیگری است با جان و روان او درآمیزد، بدون تردید آثارش جاودان خواهد ماند.

شماری از ترجمه‌های قرآن کریم که صاحبان آنها به زیوری از علم و ادب آراسته‌اند، در عرصه کشف نسل نو به ترجمه قرآن و آشنایی با آن، نقش بسزایی ایفا کرده‌اند، تا جایی که مشوق دیگر نویسندگان و مترجمان نیز بوده‌اند، و در میدان ترجمه آیات الهی به موفقیت‌هایی نایل آمده‌اند.

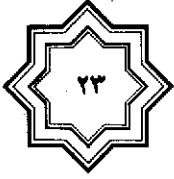
موفقیت این دسته از مترجمان در حلدی است که ترجمه آنان، شایستگی و ارزش «نقد و بررسی» را پیدا کرده است؛ یعنی با پیراستن ترجمه آنها از هرگونه حشو و زوائد و جبران کمی‌ها و کاستی‌ها، گامی در جهت رشد و بالندگی فکر و فرهنگ و گرایش به قرآن و قرآن پژوهی برداشته شده است.

در میان ترجمه‌های موجود، ترجمه مترجم نامدار و دانشمند بزرگوار جناب آقای عبدالمحمد آیتی از امتیازات خاصی برخوردار است و انصافاً اثری است که ارزش ادبی فراوانی دارد و از جمله آثار ماندنی و جاویدان به شمار می‌رود. سلامت و استحکام جمله بندی، و پرهیز از سره‌نویسی فارسی و عربی‌گرایی افراطی و دوری از هرگونه حشو و زوائد، از ویژگی‌های این ترجمه ارزشمند است.

سعی و تلاش این مترجم پرتوان، زمینه ساز گرایش نسل جوان به مکتب انسان ساز قرآن است؛ کتابی که بهترین راهنمای انسان و دارنده کاملترین برنامه حیات است، و چه کاری بهتر از جذب مردمان به فکر و فرهنگ قرآن، از طریق ترجمه‌ای گویا و روان!

پرجاذبه بودن این ترجمه از یک طرف، و آرزوی ارائه ترجمه‌ای به دور از اشتباه و غلط از قرآن، از طرف دیگر، این جانب را واداشت تا در این اثر ارزشمند، همچون دیگر ترجمه‌های قرآن، با دقت بنگرم و برای اصلاح آن، موارد اشکال و یا نکات اصلاحی لازم یا ارجح را خالصانه به مترجم گرانقدر و خوانندگان گرامی عرضه بدارم.

گفتنی است که نسخه مورد تحقیق و نقد این بنده، چاپ دوم قرآن کریم، از انتشارات سروش بوده که در سال ۱۳۶۸ با ۱۰۰۰۰۰ نسخه به علاقه‌مندان قرآن کریم عرضه شده است.



قرآن مجید

ترجمه عبدالستار

دبیرساز: موعظی ابراهیم

مُروِش

واحد جای پستری سنا

موارد اشکال

۱- سوره حمد، آیه ۴: ﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ «آن فرمانروای روز جزا.»

اشکال: معادل «مالک» در فارسی، واژه دارنده، صاحب و خداوند می باشد. و «فرمانروا» معادل کلمه ملک است نه مالک.

پس ترجمه صحیح آیه چنین است: «دارنده روز جزا.»

۲- سوره بقره، آیه ۱۷: ﴿مِثْلَهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يُبْصِرُونَ﴾

«مثلشان، مثل آن کسانی است که آتشی افروختند چون پیرامونش را روشن ساخت، خدا روشنایی از آنان بازگرفت و نابینا در تاریکی رهایشان کرد.»

اشکال: ضمیر «ماحولهُ» به «الذی» برمی گردد، و الذی هم در موضع الذین استعمال شده است و از این جهت ضمائر «هُم» در «بنورهم» و «ترکهم» به صورت جمع آمده است، اما مترجم محترم آن را به «نار» برگردانده، درحالی اگر چنین می بود می بایست «ماحولها» باشد چون نار مؤنث مجازی است.

پس ترجمه صحیح آیه چنین است: «مثلشان، همچون مثل کسانی است که آتشی افروختند، پس چون پیرامونشان را روشن ساخت، خدا نورشان را برد و در تاریکیهایی که نمی بینند رهایشان کرد.»

۳- سوره بقره، آیه ۲۵: ﴿...كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأَنْتَوَاهِ مِمَّا شَبَّهْنَا...﴾  
«و هرگاه از میوه های آن برخوردار شوند، گویند: پیش از این، در دنیا، از چنین میوه هایی برخوردار شده بودیم که این میوه ها شبیه به یکدیگرند.»

اشکال: «أنتوا» صیغه مجهول است و ضمیر «به» در آن به «رزقاً» برمی گردد نه به «ثمره» و ثمره هم مفردی است که به صورت نکره آمده است. پس ترجمه صحیح آیه چنین است:

«هرگاه از میوه ای روزیمنند شوند، گویند: این همان است که از پیش به ما روزی شده بود، و روزی همانند داده شوند.»

۴- سوره بقره، آیه ۲۶: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا﴾ «خدا ابائی ندارد که به پشه و کمتر از آن مثل بزند.»

اشکال: کلمه «ما فوق» را «کمتر» ترجمه نموده اند، در صورتی که به معنی «برتر» و «بالا تر» و «فسرتر» می باشد، و معادل کلمه «کمتر» در این گونه موارد معمولاً «مادون» به کار می رود.

پس ترجمه صحیح آیه چنین است:  
«همانا خداوند شرم ندارد که به پشه و بالاتر از آن مثل زند.»

۵- سوره بقره، آیه ۹۶: ﴿وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ



عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ... ﴿...﴾

«آنان را از مردم دیگر، حتی مشرکان، به زندگی این جهانی حریص تر خواهی یافت و بعضی از کافران دوست دارند که هزارسال در این دنیا زیست کنند.»  
اشکال: ضمیر «أَحَدُهُمْ» و «لَتَجِدَنَّهْم» هر دو به قوم یهود برمی گردد نه کافران. و کلمه «بَعْضِي» هم در اینجا موردی ندارد.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«مسلماً آنان را [= یهود] حریص ترین مردم به زندگی، [حتی حریص تر] از کسانی که شرک می ورزند خواهی یافت. [تا جایی که] هر یک از ایشان آرزو دارد کاش هزارسال عمر کند.»

۶- سوره بقره، آیه ۱۰۶: ﴿مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا﴾

«هیچ آیه ای را منسوخ یا ترك نمی کنیم مگر آنکه بهتر از آن یا همانند آن را می آوریم.»  
اشکال: «ما» در اینجا شرطیه است نه نافی، به دلیل اینکه یاء «نُنسِي» و «نَأْتِي» که فعل مضارع اند به جزمی افتاده است.

پس ترجمه صحیح آیه چنین است:

«اگر آیه ای را نسخ کنیم یا بفراموشانیم، بهتر از آن یا مانندش را می آوریم.»

۷- سوره بقره، آیه ۱۴۳: ﴿... وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ﴾

«هر چند که این امر جز بر هدایت یافتگان دشوار می نمود.»  
اشکال: «ان» در اینجا مخففة از مثقله است، نه شرطیه و نه وصلیه.

پس ترجمه صحیح آیه چنین است:

«به راستی که [این کار] جز بر کسانی که خدا هدایتشان کرده، سخت گران بود.»

۸- سوره بقره، آیه ۱۹۸: ﴿... وَاذْكُرُوهُ كَمَا هَدَيْكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ﴾

«... یاد کنید، از آن رو که شما را هدایت کرده، درحالی که پیش از آن گمراه بوده اید.»

اشکال: «ان» در اینجا همچون مورد گذشته مخففة از مثقله است نه شرطیه و نه وصلیه؛ علاوه بر این مترجم محترم، ضمیر «اذكروه» و «من» در «لَمَنِ الضَّالِّينَ» را در ترجمه نادیده گرفته اند.

پس ترجمه صحیح آیه چنین است:

«او را یاد کنید، همچنان که شما را راه نمود، و به راستی که پیش از آن از گمراهان بودید.»

۹- سوره بقره، آیه ۱۸۵: ﴿... وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَيْكُمْ﴾

«و باید که آن شمار را کامل سازید و خدا را بدان سبب که راهنماییتان کرده است به بزرگی یاد کنید...»  
اشکال: لام در «لِتُكْمِلُوا» لام علت است نه لام امر، اگر امر می بود با آمدن او بر سر آن ساکن می گردید.  
پس ترجمه صحیح آیه چنین است: «... تا اینکه شماره [مقرر] را تکمیل کنید و خدا را به پاس آنکه هدایتتان کرده است به بزرگی یاد کنید...»

۱۰- سوره بقره، آیه ۱۷۰: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْ لُكُنَّا آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ﴾

«چون به ایشان گفته شود که از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید، گویند: نه، ما به همان راهی می رویم که پدرانمان رفتند، حتی اگر پدرانشان بی خرد و گمراه بوده اند.»

اشکال: ترجمه قسمت آخر آیه هر چند خلاصه و مضمون آیه را دربردارد، ولی ترجمه ای دقیق و کاملاً مطابقی نیست.

ترجمه صحیح تر آیه چنین است:

«و چون به ایشان گفته شود از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید، گویند: بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن یافته ایم، پیروی می کنیم. آیا هر چند پدرانشان چیزی را درک نمی کرده و راه نمی برده اند؟!»

۱۱- سوره بقره، آیه ۱۷۱: ﴿وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَبِدَاءً﴾

«مثل کافران، مثل حیوانی است که کسی در گوش او آواز کند و او جز بانگی و آوازی نشنود.»  
اشکال: ترجمه این آیه هم هر چند خلاصه و مضمون آیه را دربردارد، اما ترجمه ای دقیق و مطابقی نیست.

ترجمه بهتر آیه چنین است:

«و مثل کسانی که کفر ورزیدند، همچون مثل کسی است که به چیزی بانگ زند که [او] جز ندا و آواز چیزی نشنود.»

۱۲- سوره بقره، آیه ۲۱۴: ﴿إِنَّمَا حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخِلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ﴾

«می پندارید که به بهشت خواهید رفت؟ آیا هنوز سرگذشت کسانی را که پیش از شما بوده اند نشنیده اید.»  
اشکال: «لَمَّا يَأْتِكُمْ» به معنی «نشنیده اید» نیست، بلکه به معنی «هنوز شما را نیامده است» می باشد.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«یا پنداشتید که داخل بهشت می شوید درحالی که هنوز مانند آنچه بر [سر] پیشینیان شما آمد بر [سر] شما



فضیلت را میان خود فراموش مکنید.»

اشکال: باتوجه به اینکه جملات پیشین آیه شریفه درباره پرداخت مهریه زنان است، تناسب حکم و موضوع اقتضای آن را دارد که «فصل» را در آیه شریفه به «احسان و بخشش» ترجمه کنیم که صفت فعلیه انسان نیکوکار و بخشنده است.

پس ترجمه بهتر آیه چنین است: «... و گذشت کردن شما به تقوا نزدیکتر است، در میان خود بخشش را فراموش مکنید.»

۱۸- سوره بقره، آیه ۲۴۶: ﴿قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُنِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا﴾

«گفت: نپندارید که اگر قتال بر شما مقرر شود از آن سر باز خواهید زد؟»

اشکال: ترجمه «هل عَسَيْتُمْ» به «نپندارید» ترجمه دقیقی نیست، معادل هل عَسَيْتُمْ در بیشتر ترجمه های فارسی کلمات، «آیا امیدوارید»، «آیا امید این دارید»، «شاید»، «چه بسا»، «ممکن است»، «مبادا» و «آیا احتمال می دهید» می آید.

پس ترجمه دقیق تر آیه چنین است:  
«گفت: چه بسا اگر جنگیدن بر شما مقرر شود، بیکار نکنید.»

۱۹- سوره بقره، آیه ۲۴۹: ﴿فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ...﴾

«چون طالوت سپاهش را به راه انداخت، اشکال: «فصل» در اینجا به معنی «جدا شد» و «بیرون شد» می باشد و «باء» بالجنود هم باء معیت است نه باء تعدیه و زائد.

پس ترجمه صحیح آیه چنین است:  
«چون طالوت با لشکریان بیرون شد.»

۲۰- سوره بقره، آیه ۲۵۶: ﴿فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنِ بِاللَّهِ...﴾

«پس هرکس که به بت کفر ورزد و به خدای ایمان آورد...»

اشکال: مترجم، در این آیه و آیه ۲۵۷ و نیز آیه ۶۰ از سوره مائده «طاغوت» را در معنای «بت» منحصر نموده اند، ولی باتوجه به اینکه طاغوت به «هر چیزی که وسیله تجاوز از حد گردد» گفته می شود و شامل «شیطان»، «بت»، «تجاوزگر»، «حاکم زورگو و مستبد» و «هر معبودی جز خدا» می شود، پس چه بهتر در ترجمه، از خود همین واژه که مفهوم و معنای آن در اذهان، شناخته شده است، استفاده شود. و اگر آن را در معنای «بت» منحصر کنیم دایره شمول کلی این کلمه را محدود کرده ایم.

نیاید؟»

۱۳- سوره بقره، آیه ۲۲۱: ﴿... وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ...﴾

«... و خدا به جانب بهشت و آمرزش...»  
اشکال: ترجمه «بإذنه» در آیه از قلم افتاده است.

پس ترجمه صحیح تر آیه چنین است: «و خداوند به فرمان خود [شما را] به سوی بهشت و آمرزش می خواند.»

۱۴- سوره بقره، آیه ۲۲۳: ﴿نَسَاؤُكُمْ حَرَّتْ لَكُمْ فَأَثَوْا حَرَّتْكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدَّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ...﴾

«زنانتان کشتزار شما هستند هر جا که خواهید به کشتزار خود درآید و کاری کنید که مستوجب کرامت شوید.»

اشکال: معنای «قَدَّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ» با توجه به مفهوم آغاز آیه که مشعر به ایجاد و پرورش نسل آدمی است، گویای پیش فرستادن و برجای گذاشتن فرزند صالح است نه آنچه در این ترجمه آمده است.

پس ترجمه صحیح آیه چنین است: «زنانتان کشتزار شما هستند، هر جا که خواهید به کشتزار خود درآید و [آثار نیک را] برای خویش پیش فرستید.»

۱۵- سوره بقره، آیه ۲۳۱: ﴿وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سِرِّهِنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لَتَعْتَدُوا...﴾

«هرگاه زنان را طلاق دادید و مهلتشان سرآمد، یا آنان را به نیکو وجهی نگه دارید یا به نیکو وجهی رها سازید، و تا بر آنها زیان برسانید یا ستم بکنید در خانه نگاهشان مدارید.»

اشکال: ترجمه قسمت آخر آیه ﴿وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لَتَعْتَدُوا﴾ هر چند غلط نیست، اما گویا و شیوا و رسا هم نیست.

بهرتر است چنین ترجمه شود:  
«... آنان را برای زیان رساندن نگه مدارید تا [به حقوقشان] تجاوز کنید.»

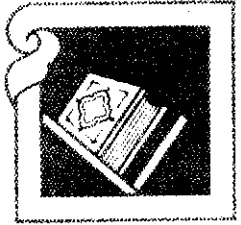
۱۶- سوره بقره، آیه ۲۳۳: ﴿... وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ...﴾

«و قِیم نیز چنین برعهده دارد.»  
اشکال: در این آیه بویژه در مقام ترجمه هیچ دلیلی نداریم که «وارث» را به «قیم» ترجمه کنیم.

پس ترجمه صحیح آیه چنین است:  
«و مانند همین [احکام] برعهده وارث است.»

۱۷- سوره بقره، آیه ۲۳۷: ﴿... وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ...﴾

«و بخشیدن شما به پرهیزگاری نزدیکتر است و



بنابراین ترجمه بهتر آیه چنین است :

« پس هرکس به طاعت کفر ورزد و به خدای ایمان آورد... »

۲۱- سوره بقره آیه ۲۶۳: ﴿قَوْلَ مَعْرُوفٍ وَمَغْفِرَةَ خَيْرٍ مِنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعُهَا أَذَىٰ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ﴾

« گفتار نیکو و بخشایش، بهتر از صدقه‌ای است که آزاری به دنبال داشته باشد، خدا بی نیاز و بردبار است. »

اشکال: با توجه به نکره بودن جمله آغاز آیه و لحن آیه شریفه در مورد اعطاء صدقه بدون ایداء،

ترجمه بهتر آیه چنین است :

« گفتاری پسندیده و گذشتی [کریمانه] بهتر از صدقه‌ای است که آزاری به دنبال آن باشد، و خداوند بی نیاز و بردبار است. »

۲۲- سوره بقره، آیه ۲۷۳: ﴿لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أُحْصِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ﴾

« این صدقات از آن بینوایانی است که خود را در طاعت حق محصور کرده‌اند و در طلب قوت ناتوان‌اند. »

اشکال: «ضرباً فی الأرض» کنایه از سفر کردن است و معنای «لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ» این است که آنان

برای تأمین هزینه زندگی نمی‌توانند در زمین سفر کنند، در این ترجمه هر چند مفهوم و مضمون آیه درج گردیده، ولی ترجمه‌ای دقیق و مطابقی نیست.

ترجمه صحیح آیه چنین است :

« [اینگونه انفاقها] برای نیازمندانی است که در راه خدا فرومانده‌اند و نمی‌توانند در زمین [برای تأمین هزینه] سفر کنند. »

۲۳- سوره بقره، آیه ۲۷۵: ﴿الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ﴾

« آنان که ربا می‌خورند، در قیامت چون کسانی از قبر برمی‌خیزند که به افسون شیطان دیوانه شده باشند. »

اشکال: اگرچه مفهوم و مضمون آیه در ترجمه درج گردیده، ولی «لا» نفی و «إلا» استثنائی و ضمیر «يَتَخَبَّطُهُ» نادیده گرفته شده است.

ترجمه دقیق تر آیه چنین است :

« کسانی که ربا می‌خورند [از قبر] برنخیزند مگر مانند کسی که شیطان بر اثر تماس، او را دیوانه کرده باشد. »

۲۴- سوره بقره، آیه ۲۸۲: ﴿... وَلَا يَأْبَ كَاتِبُ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلِيَمِلَّ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ... إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا﴾

« و کاتب نباید که در نوشتن از آنچه خدا به او آموخته است سرپیچی کند. و مدیون باید که بر کاتب املاء

کند... »

... و هرگاه معامله نقدی باشد اگر برای آن سندی

نویسید مرتکب گناهی نشده‌اید... »

اشکال: این جملات دو قسمت کوچک از آیه طولانی ۲۸۲ سوره بقره است که در ترجمه آن اشتباهاتی رخ داده

است :

۱- «کاتب» در آیه به صورت نکره مفرده آمده، ولی در ترجمه آن، این نکته رعایت نشده‌است.

۲- در ترجمه آمده است: «و مدیون باید که بر کاتب املاء کند» حال آنکه این تعبیر با جمله «فَلْيَكْتُبْ وَلِيَمِلَّ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ» مطابقت کامل ندارد.

۳- «وَدَرَّ إِلَّا أَنْ تَكُونَ...» «إلا» را «هرگاه» ترجمه نموده، حال آنکه الا به معنی «مگر آنکه» می‌باشد.

۴- ترجمه «تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ» از قلم افتاده است.

بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است: «... و هیچ نویسنده‌ای نباید از نوشتن خودداری کند، همان‌گونه که خدا او را آموخته است، پس باید نویسنده بنویسد و کسی که بدهکار است باید املاء کند. ... مگر آنکه داد و ستدی نقدی باشد که آن را میان خود [دست به دست] برگزار می‌کنید، در این صورت، بر شما گناهی نیست که آن را

نویسید. »

۲۵- سوره بقره، آیه ۲۸۶: ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ﴾

«خدا هیچ کس را جز به اندازه طاقتش مکلف نمی‌کند. نیکیهای هرکس از آن خود اوست و بدیهایش از آن خود اوست. »

اشکال: در ترجمه این آیه، «لام» در «لها» و «علی» در «علیها» که اولی متضمن معنای نفع و دومی مشعر به معنای ضرر است نادیده گرفته شده است.

بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است :

«خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانایی اش تکلیف نمی‌کند، آنچه [از نیکی] به دست آورده به سود او، و آنچه [از بدی] به دست آورده به زیان اوست. »

۲۶- سوره آل عمران، آیه ۱۳: ﴿قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِتْنَتِ الَّذِينَ اتَّخَفْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأَخْرَى كَافِرًا يَرُونَهُمْ مِثْلَيْهِمْ رَأَى الْعَيْنِ﴾

«در آن دو گروه که به هم رسیدند برای شما عبرتی بود: گروهی در راه خدا می‌جنگیدند و گروهی دیگر کافر بودند آنان کافران را به چشم خود دوچندان خویش می‌دیدند. »

اشکال: مرجع ضمیر «یرون» کفار و ضمیر «هم» اشاره به مسلمانان می‌باشد، ولی مترجم محترم برعکس ترجمه نموده‌اند. (به تفسیرهای مربوط رجوع شود)

بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است :

«در آن دو گروه که به هم رسیدند برای شما عبرتی بود: گروهی در راه خدا می‌جنگیدند و گروهی دیگر کافر بودند آنان کافران را به چشم خود دوچندان خویش می‌دیدند. »

اشکال: مرجع ضمیر «یرون» کفار و ضمیر «هم» اشاره به مسلمانان می‌باشد، ولی مترجم محترم برعکس ترجمه نموده‌اند. (به تفسیرهای مربوط رجوع شود)

بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است :

«در آن دو گروه که به هم رسیدند برای شما عبرتی بود: گروهی در راه خدا می‌جنگیدند و گروهی دیگر کافر بودند آنان کافران را به چشم خود دوچندان خویش می‌دیدند. »

اشکال: مرجع ضمیر «یرون» کفار و ضمیر «هم» اشاره به مسلمانان می‌باشد، ولی مترجم محترم برعکس ترجمه نموده‌اند. (به تفسیرهای مربوط رجوع شود)

بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است :

«در آن دو گروه که به هم رسیدند برای شما عبرتی بود: گروهی در راه خدا می‌جنگیدند و گروهی دیگر کافر بودند آنان کافران را به چشم خود دوچندان خویش می‌دیدند. »



به سوی خود برمی آورم و از کافران دور می سازم. اشکال: «مُتَوَفِّي» در اینجا به معنی «می میرانم» نیست، بلکه به معنی «برمی گیرم» می باشد، «توفیه»، به معنی «به طور کامل دریافت نمودن»، «کاملاً گرفتن» و «فراگرفتن» می باشد.

علاوه بر این به اعتقاد ما مسلمانها، عیسی (ع) نمرده و طبق این آیه و آیات ۱۵۷ و ۱۵۸ -سوره نساء و روایات مربوطه، خداوند او را زنده به آسمان برده است. «مُطَهَّرُكَ» هم یعنی «تو را پاک می گردانم» نه «دور می سازم»!

بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است:

«[به یاد کن] هنگامی که خدا گفت: ای عیسی من تو را برمی گیرم و به سوی خویش بالا می برم، و تو را از [آلودگی] کسانی که کفر ورزیده اند پاک می گردانم ...»

۳۱- سوره آل عمران، آیه ۷۹: ﴿وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ﴾  
«همچنان که از کتاب خدا می آموزید و در آن می خوانید، پرستندگان خدا باشید.»

اشکال: «كَانَ» و مشتقات آن چون بر سر فعل مضارع درآیند، معنای آن را به ماضی برمی گرداند، ولی این نکته در ترجمه این آیه نادیده گرفته شده است.

پس ترجمه صحیح آیه چنین است:

«... بلکه [باید بگردید] همچنان که کتاب [خدا] را به دیگران می آموختید و خود به خواندن آن می پرداختید [مردمی] الهی باشید.»

۳۲- سوره آل عمران، آیه ۱۲۵: ﴿... يُمَدِّدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ﴾  
«... خدا با پنج هزار از فرشتگان صاحب علامت شما را یاری کند.»

اشکال: معادل فارسی «مُسَوِّمِينَ» - به کسر واو- «نشانگذار» است و به فتح واو «صاحب علامت» یا «نشاندار» ترجمه می شود. و چون قرائت قرآنی موجود به کسر واو می باشد نه کسر آن، پس باید ترجمه فارسی آن هم «نشانگذار» باشد.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشانگذار<sup>(۱)</sup> یاری خواهد کرد.»

۳۳- سوره آل عمران، آیه ۱۲۸: ﴿... أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبَهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ﴾  
«یا ایشان را به توبه وادارد یا آن ستمکاران را عذاب کند.»

اشکال: «تَابَ عَلَيْهِ» یعنی «توبه اش را پذیرفت» نه اینکه «او را به توبه واداشت». ضمناً ترجمه «فَإِنَّ» نادیده

«قطعاً در برخورد میان دو گروه، برای شما نشانه» [عبرتی] بود. گروهی در راه خدا می جنگیدند و [گروه] دیگر کافر بودند، که کافران، مؤمنان را به چشم، دوبرابر می دیدند.»

۲۷- سوره آل عمران، آیه ۱۸: ﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَانِمًا بِالْقِسْطِ لَإِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾

«اللّه حکم کرد - و فرشتگان و دانشمندان نیز - که هیچ خدایی برپادارنده عدل جز او نیست. خدایی جز او نیست که پیروزمند و حکیم است.»

اشکال: «شَهِدَ» یعنی «گواهی داد» یا «گواهی داده است». نه «حکم کرد». «قَانِمًا بِالْقِسْطِ» حال است از «اللّه» نه صفت.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«خداوند - درحالی که برپادارنده عدل است - گواهی می دهد<sup>(۱)</sup> که جز او هیچ معبودی نیست و فرشتگان و دانشمندان [نیز گواهی می دهند که] جز او، که پیروزمند و حکیم است، هیچ معبودی نیست.»

۲۸- سوره آل عمران، آیه ۳۹: ﴿... إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بَيْحِصِي مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ﴾

«خدا تو را به یحیی بشارت می دهد، او کلمه خدا را تصدیق می کند و خود مهتری است بیزار از زنان و پیامبری است از شایستگان.»

اشکال: مترجم محترم «حضوراً» را به معنی «بیزار از زنان» گرفته اند، که با توجه به بار منفی آن معادل مناسبی نیست.

معادل صحیح این کلمه در فارسی، «پارسا» و یا «خویشتر دار از زنان» است.

۲۹- سوره آل عمران، آیه ۵۲: ﴿فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ﴾  
«چون عیسی دریافت که به او ایمان نمی آورند، گفت: چه کسانی در راه خدا یاران من اند؟»

اشکال: هر چند این ترجمه مضمون آیه را دربردارد، اما ترجمه ای کاملاً مطابقی نیست؛ اصولاً در ترجمه -بویژه ترجمه قرآن- تا سرحد امکان، جهت رعایت و حفظ متن اصلی باید آن را مطابقی معنی نمود.

بنابراین ترجمه بهتر آیه این است:

«چون عیسی از آنان احساس کفر کرد، گفت: چه کسانی در راه خدا یاران من اند؟»

۳۰- سوره آل عمران، آیه ۵۵: ﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنِي مَتْوَفِيكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾  
«آن گاه خدا گفت: ای عیسی، من تو را می میرانم، و

۱- عرب فعل ماضی را در هشت جا به معنای مضارع استعمال می کند؛ چنان که شاعر گفته است:

معنی ماضی مضارع می شود در هشت جا:

عطف ماضی بر مضارع یا کلام ابتدا

بعد لفظ حیث، دیگر در پی موصول دان

بعد حرف شرط باشد یا مگر جمله ی دعا

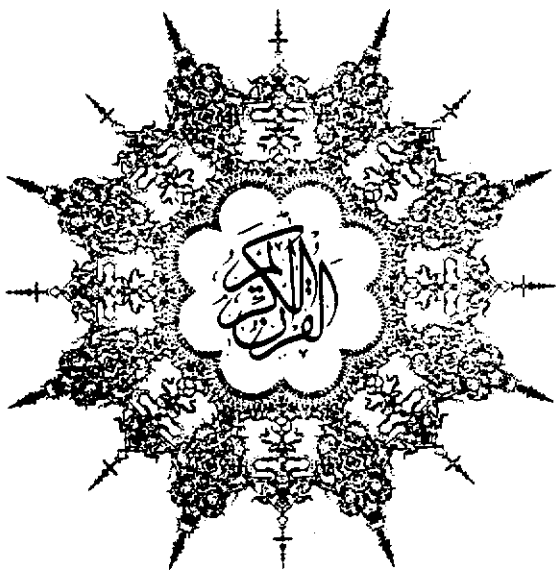
بعد همزه سری ماضی چون که «او» واقع شود

نیز آن ماضی که باشد بعد لفظ «کلمه»

(به کتبات جامع المقدمات، ج ۱، ص ۷۱ با تحقیق مرحوم مدرس افغانی، چاپ هجرت، قم مراجعه شود.)

۲- وجه تسمیه فرشتگان به «نشانگذار»، این بوده که آنان، محورهای عملیاتی جنگ را برای مجاهدان بدر نشانه گذاری و تعیین علامت می کرده اند. (جوامع الجامع، ج ۱، ص ۲۰۲ و

اعراب القرآن، درویش، ج ۲، ص ۴۶)



گرفته شده است.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«... یا توبه شان را می پذیرد یا عذابشان می کند، زیرا آنان ستمکارند.»

۳۴- سوره آل عمران، آیه ۱۳۰: ﴿... لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً...﴾

«ربا مخورید به افزودنهای پی در پی.»

اشکال: «اضعافاً مضاعفه» قید توضیحی است نه احترازی.

بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است: «ربا را که افزودنیها بر افزوده هاست نخورید.» منظور آیه این است که: ربا را که سودی چندبرابر است مخورید.

۳۵- سوره آل عمران، آیه ۱۴۲: ﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمِ الصَّابِرِينَ﴾

«آیا می پندارید که به بهشت خواهید رفت، و حال آنکه هنوز برای خدا معلوم نشده است که از میان شما چه کسانی جهاد می کنند و چه کسانی پایداری می ورزند.» تذکر: تعبیر «و حال آنکه هنوز برای خدا معلوم نشده است»، تعبیر رسا و جالبی درباره خداوند نیست.

به ناچار آیه را این گونه باید ترجمه نمود:

«آیا پنداشتید که داخل بهشت می شوید، بی آنکه خداوند شکیبایان و کسانی را که از شما جهاد کرده اند، معلوم بدارد؟»

۳۶- سوره آل عمران، آیه ۱۶۴: ﴿... وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ لَفَى ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾

«هر چند از آن پیش در گمراهی آشکاری بودند.»

اشکال: «ان» در اینجا مُخَفَّفَةٌ از مثقله است نه شرطیه و نه وصلیه.

و نیز در سوره جمعه، آیه ۲: «اگرچه پیش از آن در گمراهی آشکار بودند.»

و همچنین سوره روم، آیه ۴۹: ﴿وَأِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ...﴾ «اگرچه پیش از آنکه...» و همچنین سوره ابراهیم، آیه ۴۶: ﴿وَأِنْ كَانَ مَكْرَهُمْ لَنَزُولٍ مِنْهُ الْجِبَالُ﴾

بنابراین ترجمه صحیح این آیات چنین است:

«به راستی که پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.»

«به راستی که پیش از آنکه باران بر آنها ببارد ناامید بودند.»

«به راستی که از نیرنگشان کوه از جای کنده می شود.»

۳۷- سوره آل عمران، آیات ۱۷۱ و ۱۷۲: ﴿فَرِحِينَ بِمَا آتَيْتَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْقِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾

يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ

أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ﴾

«از فضیلتی که خدا نصیبشان کرده است شادمان اند و به آنها که در پی شان هستند و هنوز به آنها نپیوسته اند بشارت می دهند که بیمی بر آنها نیست و اندوهگین نشوند.»

«آنان را مزده نعمت و فضل خدا می دهند و خدا پاداش مؤمنان را تباه نمی کند.»

اشکال: «يَسْتَبْشِرُونَ» در این دو آیه به صورت متعدی ترجمه شده، در صورتی که ماده «استبشار» لازم است.

بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است:

«به آنچه خدا از بخشایش خویش به آنان داده است شادمان اند و برای کسانی که از پی ایشان به آنان نپیوسته اند شادی می کنند که بر آنان نه باکی است و نه اندوه خورند.»

«بر بخشایش و نعمتی از خدا شادی می کنند، و به راستی که خداوند پاداش مؤمنان را تباه نمی کند.»

۳۸- سوره آل عمران، آیه ۱۸۳: ﴿...إِنَّ اللَّهَ عَهْدٌ أَلِيمٌ...﴾ «ما را با خدا عهدی است.»

اشکال: «عهد» با «إلى» متعدی می شود و «عهد إلینا» یعنی «به ما سفارش نمود»، «توصیه نمود».

پس ترجمه صحیح آیه چنین است:

«همانا خداوند به ما سفارش نموده است...»

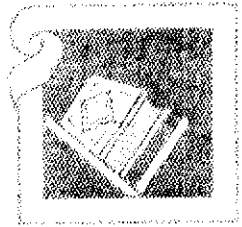
۳۹- آل عمران، آیه ۲۰۰: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا﴾

«ای کسانی که ایمان آورده اید، شکیبا باشید و دیگران را به شکیبایی فراخوانید و در جنگها پایداری کنید.»

اشکال: «مرابطه» به معنی «ارتباط برقرار کردن» محافظت از مرزها و «مرزداری کردن» می باشد.

بنابراین ترجمه دقیق تر آیه چنین است:

«ای کسانی که ایمان آورده اید، شکیبا باشید و دیگران را به شکیبایی فراخوانید و مرزها را نگهبانی کنید.»





(برای توضیح بیشتر به کتاب اعراب القرآن الکریم و بیانه جلد ۲، ص ۲۶۴ و ۲۶۵، تألیف محیی الدین درویش، چاپ دمشق مراجعه شود.)  
ضمناً در این آیه کلمه «اجعل» دوبار تکرار شده است که لازم است به خاطر عنایتی که در قرآن کریم به تکرار الفاظ شده است، عیناً ترجمه آن کلمات تکراری نیز درج گردد.

بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است:  
«... پروردگارا، ما را از این شهری که مردمش ستم پیشه اند بیرون آر، و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده و از نزد خویش یآوری تعیین فرما.»

۴۴- سوره نساء، آیه ۷۷: ﴿...إِذَا قَرَّبْتَ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ...﴾  
«گروهی چنان از مردم ترسیدند که باید از خدا می ترسیدند حتی ترسی بیشتر از خدا. و گفتند: ای پروردگار ما، چرا جنگ را بر ما واجب کرده ای و ما را مهلت نمی دهی تا به مرگ خود - که نزدیک است - بمیریم؟ ...»

اشکال: مترجم محترم «کخشیه الله» را «که باید از خدا می ترسیدند؟» و «أو» را «حتی»، و «لولا أخرتنا إلى أجل قريب» را «و ما را مهلت نمی دهی تا به مرگ خود - که نزدیک است - بمیریم»، ترجمه نموده اند که اشتباه آن واضح و روشن است.

ترجمه صحیح آیه چنین است:  
«... به ناگاه گروهی از آنان از مردم [مشرك] ترسیدند همچون ترس از خدایا ترسی سخت تر. و گفتند: [خدایا] چرا جنگیدن را بر ما مقرر داشتی؟ چرا [این فرمان را] تا مدتی کوتاه به تأخیر نینداختی؟»

۴۵- سوره آل عمران، آیه ۸۳: ﴿...وَلَوْ رُدُّوهٗٓ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَىٰ أَوْلِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ...﴾

«و حال آنکه اگر در آن به پیامبر و اولوالامرشان رجوع می کردند، حقیقت امر را از آنان درمی یافتند...»  
اشکال: ترجمه قسمت اخیر آیه، ترجمه ای دقیق و مطابقی نیست.

ترجمه صحیح آیه چنین است:  
«و حال آنکه اگر آن را به پیامبر و اولیای امر خود ارجاع می دادند، قطعاً کسانی از آنان که اهل استنباط اند، آن را خواهند دانست.»

۴۶- سوره نساء، آیه ۱۳۵: ﴿...كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ...﴾  
«به عدالت فرمانروا باشید.»

سلامت و استحکام جمله بندی،  
پرهیز از سره نویسی فارسی و  
عربی گرای افراطی، پرجاذبه بودن  
و دوری از هرگونه حشو و زائد از  
ویژگیهای این ترجمه ارزشمند  
است.

۴۰- سوره نساء، آیه ۵۸: ﴿إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ﴾  
«خدا شما را چه نیکو پند می دهد.»

اشکال: «به» در ترجمه از قلم افتاده است.  
ترجمه صحیح آیه چنین است: «حقاً که نیکو چیزی است که خدا شما را به آن پند می دهد.»

۴۱- سوره نساء، آیه ۵۸: ﴿إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ﴾  
«خدا شما را چه نیکو پند می دهد.»  
اشکال: «به» در ترجمه از قلم افتاده است.

ترجمه صحیح آیه چنین است: «حقاً که نیکو چیزی است که خدا شما را به آن پند می دهد.»

۴۲- سوره نساء، آیه ۶۴: ﴿...وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾

«و اگر به هنگامی که مرتکب گناهی شدند نزد تو آمده بودند و از خدا آمرزش خواسته بودند و پیامبر برایشان آمرزش خواسته بود، خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند.»

تذکر: «ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ» را اگر «به خود ستم کردند» ترجمه کنیم بهتر است.

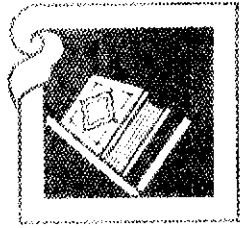
بنابراین ترجمه دقیق تر آیه چنین است: «و اگر آنان هنگامی که به خود ستم می کردند، به نزد تو می آمدند و از خدا آمرزش می خواستند و پیامبر [نیز] برای آنان طلب آمرزش می کرد، قطعاً خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند.»

۴۳- سوره نساء، آیه ۷۵: ﴿...رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أُمَّهَاتُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا﴾

«ای پروردگار ما، ما را از این قریه ستمکاران بیرون آر و از جانب خود یار و مددکاری قرار ده.»

اشکال: «القرية الظالم» صفت و موصوف اند نه مضاف و مضاف الیه؛ یعنی «قریه ای که اهلس ستم پیشه اند» نه «قریه ستمکاران».





اشکال: معنای دقیق «قوامین» در اینجا «برپادارندگان» است نه «فرمانروا».

ترجمه صحیح آیه چنین است: «پیوسته برپادارندگان عدالت باشید.»

۴۷- سوره نساء، آیه ۱۴۰: ﴿... إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ﴾

«چون شنیدید کسانی آیات خدا را انکار می کنند و آن را به ریشخند می گیرند با آنان منشینید.»

اشکال: «يُكْفَرُ» و «يُسْتَهْزَأُ» هر دو فعل مضارع مجهول هستند، ولی مترجم آنها را به صیغه معلوم ترجمه کرده است.

پس ترجمه صحیح آیه چنین است:

«هر گاه شنیدید آیات خدا مورد انکار و ریشخند قرار می گیرد، با آنان منشینید.»

۴۸- سوره نساء، آیه ۱۴۲: ﴿... وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُفَالَى يُرَاؤُونَ النَّاسَ﴾

«و چون به نماز برخیزند با اکراه و کاهلی برخیزند و برای خودنمایی نماز کنند.»

تذکر: «يُرَاؤُونَ النَّاسَ»، یعنی «در برابر مردم ریا می کنند.»

پس ترجمه بهتر آیه چنین است: «و چون به نماز ایستند با کسالت برخیزند و در برابر مردم ریا می کنند.»

۴۹- سوره مائده، آیه ۸: ﴿... كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ...﴾

«برای خدا، حق گفتن را برای خیزید و به عدل گواهی دهید.»

اشکال: ترجمه سلیس و کاملاً مطابقی نیست.

بهبتر است این گونه ترجمه شود: «برای خدا برپادارندگان [حق] و گواهان به عدل باشید.»

۵۰- سوره مائده، آیه ۳۲: ﴿... وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا﴾

«و هر کس که به او حیات بخشد چون کسی است که همه مردم را حیات بخشیده باشد.»

اشکال: باتوجه به اینکه «حیات بخشی» مختص ذات قادر متعال است و جز خداوند، هیچ کس قدرت اعطای حیات ندارد، ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و هر که کسی را زنده بدارد، چنان است که گویی همه مردم را زنده داشته است.»

پرواضح است که منظور از «زنده داشتن»، نجات دادن و یا هدایت نمودن انسانی است که در معرض نابودی و گمراهی قرار گرفته است.

۵۱- سوره مائده، آیه ۷۰: ﴿... وَأَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ رَسُولًا

كَلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُهُمْ...﴾

«و پیامبرانی برایشان فرستادیم. هر گاه که پیامبری چیزی می گفت که با خواهش دلشان موافق نبود...»

اشکال: «جاء» چون با حرف «ب» بیاید، متعدی می گردد، و معنای آن «آورد» می شود.

بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و پیامبرانی را به سویشان فرستادیم، هر گاه پیامبری چیزی برخلاف دلخواهشان می آورد...»

۵۲- سوره مائده، آیه ۱۱۶: ﴿... إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾ «زیرا تو داناترین کسان به غیب هستی.»

اشکال: «داناترین» معادل «أعلم» است نه «علام». ترجمه دقیق تر آیه چنین است:

«زیرا تو بسیار دانای نهانیهای.»

۵۳- سوره انعام، آیه ۳: ﴿... وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ﴾ «و از کردارتان آگاه است.»

ترجمه دقیق تر آیه چنین است: «و آنچه را به دست می آورید می داند.»

۵۴- سوره انعام، آیه ۱۳: ﴿... وَ لَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ...﴾

«از آن اوست هر چه در شب و روز جای دارد.»

اشکال: «سكن» را به «جای دارد» ترجمه نموده، در صورتی که معادل فارسی آن «آرام گرفته» است.

پس ترجمه صحیح آیه چنین است: «آنچه در شب و روز آرام دارد، از آن اوست.»

۵۵- سوره انعام، آیه ۳۵: ﴿وَ إِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سَلْمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ﴾

«اگر اعراض کردن آنها بر تو گران است، خواهی نقبی در زمین بجوی یا نردبانی بر آسمان بنه تا معجزه ای برایشان بیاوری.»

اشکال: اولاً ترجمه «فإن استطعت» نادیده گرفته شده است؛ ثانیاً «أن تبتغي» که فعل مضارع مخاطب است، به فعل امر «بجوی» ترجمه شده است؛ ثالثاً جواب شرط «فإن استطعت» که محذوف و مقدر است آورده نشده است.

بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است:

«اگر اعراض کردن آنان بر تو گران است، در صورتی که بتوانی نقبی در زمین یا نردبانی در آسمان بجویی تا معجزه ای برایشان بیاوری [چنین کن، ولی بازهم آنان ایمان نخواهند آورد].»

۵۶- سوره انعام، آیه ۵۶: ﴿قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ

الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ...﴾ «بگو مرا منع کرده اند که آن خدایانی را که جز الله

می خوانید پرستش کنم.»



برهم نهد به زیان اوست .

اشکال: «جاء» یعنی «آمد»، نه «داد». و بصائر جمع بصیرت معادل «بینش» فارسی است. و منظور از بصائر در این آیه، «دلایل روشن» و «رهنمودها» و «بینشها» در تمام موضوعاتی است که قرآن کریم آنها را مطرح نموده است.

بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است:

«به راستی بینشهایی از جانب پروردگارتان برای شما آمده است. پس هر که بصیرت ورزد به سود خود اوست، و هر که کور ماند به زیان اوست.»

۶۲- سوره انعام، آیه ۱۳۴: ﴿إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَآتٍ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ﴾

«هر چه به شما وعده داده اند خواهد آمد و شما را راه گریزی نیست.»

اشکال: «ما أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ»، یعنی «شما عاجزکننده نیستید»، نه آنچه مترجم آورده است.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«قطعاً آنچه به شما وعده داده می شود خواهد آمد و شما عاجزکننده [خدا] نیستید.»

۶۳- سوره انعام، آیه ۱۶۰: ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرٌ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ﴾

«هر کس کار نیکی انجام دهد ده برابر او پاداش دهند، و هر که کار بدی انجام دهد تنها همانند آن کیفر ببیند، تا ستمی بر آنها نرفته باشد.»

اشکال: همان طور که گذشت، «جاء» هر گاه با حرف «ب» بیاید متعدی گردیده و معنی «آورد» می دهد. بنابراین در آیه «جاء بِالْحَسَنَةِ» یعنی «نیکی آورد». معلوم می شود که نیکی آوردنی است و این خود نکته ای است لطیف که برای توضیح آن به تفسیر باید مراجعه نمود. مترجم محترم علاوه بر توجه نکردن به این نکته، «إِلَّا» را نیز در ترجمه نادیده گرفته است.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«هر کس نیکی آرد ده چندان پاداشش بود و هر که بدی آرد جز به همانندش کیفر نشود و ستم بر آنان نرود.»

۶۴- سوره انعام، آیه ۱۶۱: ﴿قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قَبِيماً مِثْلَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفاً﴾

«بگو پروردگار من مرا به راه راست هدایت کرده است؛ به دینی همواره استوار، دین حنیف ابراهیم و او از مشرکان نبود.»

اشکال: «حنيفاً» حال است از ابراهیم نه صفت دین. بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است: «بگو: به راستی که پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده است؛

اشکال: «مرا منع کرده اند» معادل جمله «مَنْعُونِي» است نه «نُهَيْتُ» که صیغه ماضی مجهول متکلم وحده است.

پس ترجمه صحیح آیه چنین است: «بگو به راستی که من نهی شده ام کسانی را که غیر خدا می خوانید بپرستم.»

۵۷- سوره انعام، آیه ۶۰: ﴿وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ﴾

«او اوست که شما را شب هنگام می میراند و هر چه در روز کرده اید می داند، آن گاه بامدادان شما را زنده می سازد.»

اشکال: همان طور که پیش از این یادآوری شد، «توفیه» به معنی «دریافت نمودن» و «فراگرفتن» است نه «میراندن».

و در این آیه مراد از «توفیه بِاللَّيْلِ»، «به خواب بردن در شب» و مراد از «بعث بِالنَّهَارِ»، بیدار کردن در روز است. بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و او کسی است که روح شما را در شب [به وقت خواب] می گیرد، و آنچه را در روز به دست آورده اید می داند، سپس شما را در روز بیدار می کند.»

تذکر: همان طور که در ترجمه آمده، ضمیر «فیه» به «النَّهَار» برمی گردد.

۵۸- سوره انعام، آیه ۹۱: ﴿... ثُمَّ ذَرَهُمْ فِي خَوَاصِمِهِمْ يَلْعَبُونَ﴾

«آن گاه رهایشان ساز تا همچنان به انکار خویش دلخوش باشند.»

ترجمه دقیق تر آیه چنین است:

«سپس آنان را رها کن تا در ژرفای [باطل] شان بازی کنند.»

۵۹- سوره انعام، آیه ۹۶: ﴿فَالِقُ الْإِصْبَاحِ...﴾

«شکوفنده صبحگاهان.»

اشکال: «فالق» به معنی «شکافنده» است نه «شکوفنده».

ترجمه صحیح آیه چنین است: «شکافنده صبحگاهان...»

۶۰- سوره انعام، آیه ۱۰۳: ﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ﴾

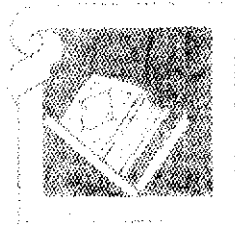
«چشمها او را نمی بینند و او را بینندگان را می بیند.»

ترجمه دقیق تر آیه چنین است:

«دیدگان او را در نمی یابند، درحالی که او دیدگان را درمی یابد.»

۶۱- سوره انعام، آیه ۱۰۴: ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾

«پروردگارتان به شما ادراک داده است. هر که از روی بصیرت می نگرد به سود اوست و هر که چشم بصیرت



دینی پایدار، آیین ابراهیم حفرگرای. و او از مشرکان نبود.

۶۵- سورة انعام، آیه ۱۶۴: ﴿قُلْ اَغْيِرَ اللّٰهَ رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ اِلَّا عَلَيْهَا﴾

«بگو: آیا جز الله، پروردگاری جویم؟ او پروردگار هر چیزی است و هرکس تنها کیفرکار خویش را می بیند.»

اشکال: ﴿وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ اِلَّا عَلَيْهَا﴾ در سیاق نفی و با حرف اِلّٰی استثنائی آمده، ولی مترجم محترم در ترجمه، مراعات این گونه نکات را ننموده اند، درحالی که در مقام ترجمه - بویژه ترجمه قرآن کریم - رعایت این نکات لازم و ضروری است.

پس ترجمه دقیق تر آیه چنین است:

«بگو: آیا جز خدا پروردگاری بجویم؟ درحالی که او پروردگار هر چیزی است، و هیچ کس جز بر زبان خود [گناهی] انجام نمی دهد.»

۶۶- سورة اعراف، آیه ۲۲: ﴿فَدَلَّيْهُمَا بِغُرُورٍ﴾

«و آن دو را بفریفت و به پستی افکند.»

باتوجه به اینکه «ب» در «بغُرُور» سببیه می باشد و «دَلّی» نیز از «تَدَلّیة» یعنی «فرستادن دلو به چاه» و «پایین فرستادن» و «باعث سقوط و تنزل شدن می باشد».

ترجمه دقیق تر آیه چنین است:

«پس آن دو را با فریب به سقوط کشانید.»

تذکر: بعضی از مترجمین «دَلّی» را از ماده «دَلَّل» [= راهنمایی کرد] گرفته اند که یقیناً اشتباه است.

۶۷- سورة اعراف، آیه ۳۳:

﴿... وَ اَنْ تَشْرِكُوْا بِاللّٰهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهٖ سُلْطٰنًا﴾

«... و نیز حرام است چیزی را شریک خدا سازید که هیچ دلیلی بر وجود آن نازل نشده است.»

اشکال: «يُنَزَّل» فعل مضارع مجزوم به لم جازمه و معلوم است، ولی مترجم آن را به صورت مجهول ترجمه کرده است.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و نیز حرام است اینکه چیزی را شریک خدا سازید که دلیلی بر [حقانیت] آن نازل نکرده است ...»

۶۸- سورة اعراف، آیه ۵۴: ﴿... ثُمَّ اسْتَوٰى عَلٰى الْعَرْشِ...﴾

«سپس به عرش پرداخت.»

اشکال: «استوی» هرگاه با «علی» بیاید معنی سلطه و استیلا می دهد و اگر با «إلی» بیاید معنی پرداختن به چیزی و «قصد کردن» و «توجه نمودن» می دهد.

بنابراین ترجمه صحیح آن چنین است:

«... سپس بر عرش، استیلا یافت.»

و همین گونه است در سورة یونس، آیه ۳ و سورة رعد، آیه ۲ و سورة فرقان، آیه ۵۹ و سورة حدید، آیه ۴.

۶۹- سورة اعراف، آیه ۸۶: ﴿وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَ تَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ مَنْ اٰمَنَ بِهٖ وَ تَبْغُؤْنَهَا عِوَجًا...﴾

«و بر سر راهها منشینید تا مؤمنان به خدا را بترسانید و از راه خدا رویگردان سازید و به کجروی وادارید.»

این آیه بهتر است این گونه ترجمه شود:

«و بر سر هر راهی منشینید که [مردم] را بترسانید و کسی را که ایمان به خدا آورده از راه خدا بازدارید و آن را کج بخواهید.»

۷۰- سورة اعراف، آیه ۱۵۶: ﴿وَرَحْمَتِيْ وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ﴾

«و رحمت من همه چیز را دربرمی گیرد.»

باتوجه به اینکه رحمت خداوند تعالی متسلخ از زمان است و اختصاص به زمانی دون زمان دیگر ندارد و شامل گذشته و آینده و حال می باشد، بهتر است آیه را چنین ترجمه کنیم:

«و رحمت من همه چیز را دربر گرفته است.»

۷۱- سورة اعراف، آیه ۱۷۶: ﴿وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَ لَكِنَّهٗ اَخْلَدَ اِلَى الْاَرْضِ﴾

«اگر خواسته بودیم به سبب آن علم که به او داده بودیم به آسمانش می بردیم، ولی او در زمین بماند.»

اشکال: ضمیر در «بها» به کلمه «آیاتنا» در آیه ماقبل این آیه برمی گردد نه به علم. ضمناً «إخلاق» چون با «إلی» بیاید معنی «گرایش داشتن» و «علاقه مند شدن» می دهد.

پس ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و اگر می خواستیم [مقام و منزلت] او را به وسیله آن آیات بالا می بردیم، اما او به زمین گراید<sup>(۳)</sup>.»

۷۲- سورة اعراف، آیه ۱۸۱:

﴿وَمِنْ خَلْقِنَا اُمَّةٌ يَّهْدُوْنَ بِالْحَقِّ وَ يَبْعِدُوْنَ﴾

«از آفریدگان ما گروهی هستند که به حق راه می نمایند و به عدالت رفتار می کنند.»

اشکال: ضمیر در «به» به «حق» برمی گردد نه به «عدالت».

پس ترجمه صحیح آیه چنین است:

«از میان کسانی که آفریده ایم، گروهی هستند که به حق هدایت می کنند و به حق عدالت می ورزند.»

۷۳- سورة اعراف، آیه ۱۸۴: ﴿اِنَّ هُوَ اِلَّا نَذِيْرٌ مُّبِيْنٌ﴾

«به آشکارا بیم دهنده آنهاست.»

اشکال: «إن نافیه و اِلّٰی استثنائی در ترجمه این آیه نادیده گرفته شده است.

۳- یعنی دنیا طلب شد و گول زرق و برق دنیا و تمایلات نفسانی را خورد.



اجْتَبَيْتَهَا... ﴿﴾

«... گویند: چرا از خود چیزی نمی گویی...»

ترجمه صحیح آیه چنین است: «... گویند: چرا آن را خود برنگزیدی...»

۷۹- سوره اعراف، آیه ۲۰۴: ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ...﴾

«چون قرآن خوانند...»

اشکال: «قُرِئَ» فعل مجهول است نه معلوم.

ترجمه صحیح آیه چنین است: «و چون قرآن خوانده شود.»

۸۰- سوره انفال، آیه ۱۷: ﴿وَلِيُطْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ

بِلَاءَ حَسَنًا﴾

«تا به مؤمنان نعمتی کرامند ارزانی دارد.»

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«تا مؤمنان را به آزمونی نیکو از جانب خویش

بیازماید.»

۸۱- سوره انفال، آیه ۲۴: ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ

بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ﴾

«و بدانید که خدا میان آدمی و قلبش حائل است.»

بهرتر است چنین ترجمه شود: «و بدانید که خدا میان

آدمی و قلبش حائل می شود.»

۸۲- سوره انفال، آیه ۲۹: ﴿إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ

فُرْقَانًا...﴾

«اگر از خدا بترسید میان شما و کافران فرقهایی

نهد...»

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«اگر از خدا پروا داشته باشید برای شما [نیروی]

تشخیص حق از باطل قرار می دهد.»

تذکر: «فرقان» در اینجا به معنی «وسیله تشخیص حق

از باطل» می باشد.

۸۳- سوره انفال، آیه ۵۸: ﴿وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ

خِيَانَةً فَاغْنِ يَدَيْكَ مِنَ الْوَالِدِ وَالزَّوْجِ وَالْأَقْرَبِينَ

«اگر می دانی که گروهی در پیمان خیانت می ورزند به

آنان اعلام کن که همانند خودشان عمل خواهی کرد، زیرا

خدا خائنان را دوست ندارد.»

بهرتر است آیه را چنین ترجمه کنیم:

«اگر از گروهی بیم خیانت [در پیمان] داری به آنان

اعلام کن که [پیمان] به طور مساوی [دوطرفه] گسسته

است، زیرا خدا خائنان را دوست ندارد.»

۸۴- سوره انفال، آیه ۶۷: ﴿مَا كَانَ لِأَنْبِيَاءٍ أَنْ يَكُونَ لَهُ

أَسْرَى حَتَّى يُخْزِنَ فِي الْأَرْضِ﴾

«برای هیچ پیامبری نسزد که اسیران داشته باشد تا که

در روی زمین کشتار بسیار کند.»

اشکال: «انخان فی الارض» در اینجا به معنی «از توان

بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است:

«او جز هشداردهنده ای آشکار نیست.»

۷۴- سوره اعراف، آیه ۱۸۷:

﴿يَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسُهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ

رَبِّي لَا يُجَلِّيها لَوْ قَتَلْتَهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾

«دربارۀ قیامت از تو می پرسند کسه چه وقت

فرامی رسد. بگو: علم آن نزد پروردگار من است. تنها

اوست که چون زمانش فرارسد آشکارش می سازد.

فرارسیدن آن بر آسمانیان و زمینیان پوشیده است.»

اشکال: «إِلَّا» در ترجمه نادیده گرفته شده است.

ترجمه دقیق تر آیه چنین است:

«از تو درباره قیامت می پرسند: وقوع آن چه وقت

است؟ بگو: علم آن فقط نزد پروردگار من است. آن را به

وقتش جز او آشکار نمی سازد [فرارسیدنش] بر آسمانها و

زمین گران است.»

معلوم نیست که به چه دلیل مترجم محترم «ثَقُلَتْ» را

که به معنی «سنگین و گران» است، «پوشیده» ترجمه

نموده اند که در هیچ کتاب لغتی یافت نمی شود!

۷۵- سوره اعراف، آیه ۱۹۸: ﴿يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ

لَا يُبْصِرُونَ﴾

«به تو می نگرند ولی گویی که نمی بینند.»

تذکر: «واو» حالیه است و ترجمه دقیق آیه چنین

است:

«به تو می نگرند درحالی که آنان نمی بینند.»

۷۶- سوره اعراف، آیه ۲۰۱: ﴿إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا

مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ﴾

«کسانی که پرهیزگاری می کنند چون از شیطان

وسوسه ای به آنها برسد خدا را یاد می کنند، زیرا مردمی

صاحب بصیرت اند.»

اشکال: باید دانست که «إِذَا»ی اول، ظرف زمان

است، که متضمن معنای شرط است و «تَذَكَّرُوا» جواب

شرط می باشد.

ولی «إِذَا»ی دوم، اذای فجائیّه و مبتدا و «مُبْصِرُونَ» خبر

آن است. ولی در ترجمه به این نکته توجه نشده است.

بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است:

«درحقیقت، کسانی که پرهیزگاری می کنند، چون

وسوسه ای از جانب شیطان بدیشان رسد [خدا را] یاد

آورند و به ناگاه بینا شوند.»

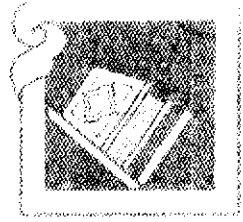
۷۷- سوره اعراف، آیه ۲۰۲: ﴿ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ﴾

«و از عمل خویش باز نمی ایستند.»

ترجمه بهتر آیه چنین است:

«... سپس کوتاهی نمی کنند.»

۷۸- سوره اعراف، آیه ۲۰۳: ﴿... قَالُوا لَوْلَا



انداختن» و «کوبیدن و بی حرکت کردن دشمن» است و منظور آیه این است که مسلمانان پیش از شکست کامل دشمن نباید به فکر اسیر گرفتن باشند، مگر اینکه کاملاً جای پای خود را در زمین محکم کنند و بر آنان پیروز گردند.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«برای هیچ پیامبری سزاوار نیست که اسیرانی داشته باشد تا اینکه [کاملاً دشمن را] در زمین از توان اندازد.»

۸۵- سوره توبه، آیه ۳۰: ﴿... أَتَىٰ يَوْمَئِذٍ...﴾

«به کجا باز می گردند؟»

اشکال: «يَوْمَئِذٍ» فعل مجهول است نه معلوم.

پس ترجمه صحیح آیه چنین است: «چگونه [از حق] بازگردانیده می شوند؟! و همین طور است آیه ۳۴ سوره یونس.

۸۶- سوره توبه، آیه ۳۱: ﴿وَمَا أَمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا

واحدًا...﴾

«و حال آنکه مأمور بودند که تنها یک خدا را

پرستند...»

اشکال: «ما» نافیه و «إِلَّا»ی استثنائیه در سیاق ترجمه

نادیده گرفته شده است.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و حال آنکه مأمور نبودند مگر آنکه خدای یگانه را

پرستند.»

۸۷- سوره توبه، آیه ۵۸: ﴿وَمِنْهُمْ مَّن يَلْمِزُكَ فِي

الصَّدَقَاتِ﴾ «بعضی از ایشان تو را در تقسیم صدقات به

بیداد متهم می کنند.»

اشکال: «يَلْمِزُكَ»، یعنی «بر تو عیب می گیرند» و آنچه

مترجم آورده لازمه معنای یلمزك است نه خود معنی آن. و

در ترجمه تا سرحد امکان باید واژه معادل را آورد.

بهرتر است آیه را چنین ترجمه کنیم:

«بعضی از آنان در تقسیم صدقات بر تو عیب

می گیرند.»

۸۸- سوره توبه، آیه ۶۰: ﴿... وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ...﴾

«... و نیز برای به دست آوردن دل مخالفان...»

اشکال: «دل مخالفان» تنها مصداقی از «المؤلفة قلوبهم»

است، نه همه آن. کلیه کسانی که با تشویق مالی از

طریق زکات جذب اسلام و معارف دین شوند -چه موافق

و چه مخالف- مشمول المؤلفة قلوبهم هستند.

پس ترجمه دقیق تر آیه چنین است:

«... و کسانی که دلشان به دست آورده می شود.»

۸۹- سوره یونس، آیه ۱۶: ﴿قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُمْ

عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرِيكُمْ بِهِ﴾

«بگو: اگر خدا می خواست من آن را بر شما تلاوت

نمی کردم و شما را از آن آگاه نمی ساختم.»

اشکال: در اینجا «أدری» صیغه مغایب ماضی از باب

افعال است، نه مضارع متکلم وحده از همان باب.

(اعراب القرآن، ج ۴، ص ۳۱۹، تألیف محیی الدین

درویش، چاپ دمشق مراجعه شود.)

بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است:

«بگو: اگر خدا می خواست آن را بر شما نمی خواندم،

و [خدا] شما را بدان آگاه نمی ساخت.»

۹۰- سوره یونس، آیه ۳۲: ﴿... فَأَتَىٰ تُصْرُقُونَ﴾

«پس به کجا روی می آورید؟»

اشکال: «تُصْرُقُونَ» فعل مجهول است نه معلوم.

ترجمه صحیح آیه چنین است: «پس چگونه [از حق]

بازگردانیده می شوید؟»

۹۱- سوره یونس، آیه ۳۶: ﴿وَمَا يَتَّبِعُ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا

ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا﴾

«بیشترشان فقط تابع گمان اند و گمان نمی تواند جای

حق را بگیرد.»

اشکال: در ترجمه «إِلَّا» نادیده گرفته شده و «لَا يُغْنِي»

-بی نیاز نمی کند- به «نمی تواند» ترجمه شده است که

صحیح نیست.

پس ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و بیشترشان جز از گمان پیروی نمی کنند، حقا که

گمان هیچ گونه [انسان را] از حق بی نیاز نمی کند.»

۹۲- سوره یونس، آیه ۸۳: ﴿فَمَا آمَنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا

ذُرِّيَّةٌ مِنْ قَوْمِهِ﴾

«جز گروهی از آنها به موسی ایمان نیاوردند.»

اشکال: «ذُرِّيَّةٌ» به معنی «فرزندان»، «نسل» و

«دودمان» است نه «گروه».

پس ترجمه صحیح آیه چنین است:

«پس، کسی به موسی ایمان نیاورد مگر فرزندانی از

قوم وی.»

۹۳- سوره یونس، آیه ۸۵: ﴿... رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلْقَوْمِ

الظَّالِمِينَ﴾

«ای پروردگار ما، ما را مغلوب این مردم ستمکار

مکن.»

ظاهراً «فتنه» در اینجا به معنی «آزمایش» و یا

«دستخوش آشوب» و یا «معرض شکنجه» می باشد.

ترجمه دقیق تر آیه چنین است:

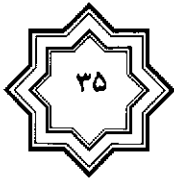
۱- «ای پروردگار ما، ما را دستخوش آشوبی به نفع

گروه ستمکاران قرار مده؛»

۲- یا اینکه «ای پروردگار ما، ما را در معرض شکنجه

گروه ستمکاران قرار مده؛»

۳- یا اینکه «ای پروردگار ما، ما را وسیله آزمایشی



گرفته شده و «المستعان» هم که اسم مفعول است به صورت امر مجهول ترجمه گردیده است:

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و بر پسرانش خونی دروغین آوردند. [یعقوب] گفت: بلکه نفس شما، کاری را برای شما آراسته است. اکنون صبری نیکو [بهرتر است]. و خداست که بر آنچه [از چگونگی مرگ یوسف] توصیف می کنید از او یاری خواسته می شود.»

تذکر: برای حصول اعتماد بیشتر بر ترجمه مذکور به تفسیر جوامع الجامع، ج ۲، ص ۱۸۰ و ص ۱۸۱، تألیف مرحوم طبرسی مراجعه شود.

۱۰۰- سوره یوسف، آیه ۲۳: ﴿وَرَاوَدتُّهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَن نَّفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْت لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ﴾

«و آن زن که یوسف در خانه اش بود، در جست و جوی تن او می بود. و درها را بست و گفت: پشتاب. گفت: پناه می برم به خدا.»

اشکال: «راوَدتُّهُ» که مصدرش «مُرَاوَدَةٌ» است، یعنی «به او اظهار عشق کرد» یا «کام خواست». ولی آنچه مترجم محترم آورده: «در جستجوی تن او بود»، تعبیر مناسب و معادلی به نظر نمی رسد.

ترجمه بهتر آیه چنین است:

«و آن [زنی] که او در خانه اش بود خواست از او کام گیرد. و درها را بست و گفت: جلو بیا از آن توام! گفت: پناه بر خدا...»

و همچنین آیه ۲۶ همین سوره: ﴿قَالَ هِيَ رَاوَدتُّنِي عَن نَّفْسِي﴾

که چنین ترجمه شده: «یوسف گفت: او تن من می خواست.»

بهرتر است چنین ترجمه شود: «[یوسف] گفت: او از من کام خواست.»

و نیز آیه ۳۰ همین سوره: ﴿أَمْرَاتُ الْعَزِيزِ تَرَاوَدُ قَتِيلَهَا عَن نَّفْسِهِ﴾

که چنین ترجمه شده است: «زن عزیز خواستار تن غلام خود شده است.»

بهرتر است چنین ترجمه شود: «زن عزیز از غلام خود، کام خواسته...»

و نیز آیه ۵۱ همین سوره باید این گونه ترجمه شود:

﴿رَاوَدتُّنَّ يُوْسُفَ عَن نَّفْسِهِ﴾

«... از یوسف کام می خواستید...»

﴿أَنَا رَاوَدتُّهُ عَن نَّفْسِهِ﴾

«... از او کام خواستم...»

۱۰۱- سوره یوسف، آیه ۲۹: ﴿يُوْسُفُ أَعْرَضَ عَن

برای گروه ستمکاران قرار مده.»

در تفسیر جوامع الجامع، ج ۲، ص ۱۲۵ به وجوه معانی یاد شده اشاره گردیده است. وجه اول به نظر مناسبتر است.

۹۴- سوره هود، آیه ۱۵: ﴿... وَهُمْ فِيهَا لَا يَبْخُسُونَ﴾  
«و از آن هیچ نمی کاهیم.»  
اشکال: «يَبْخُسُونَ» فعل مضارع مجهول است نه متکلم مع الغير معلوم!

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و به آنان در آنجا کم داده نخواهد شد.»

۹۵- سوره هود، آیه ۳۵: ﴿أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ...﴾

«یا می گویند که من به خدا دروغ بسته ام...»

اشکال: «إفترأ» فعل ماضی باب افعال است نه متکلم وحده از همان باب.

پس ترجمه صحیح آیه چنین است:

«یا می گویند آن را بر بافته است.»

۹۶- سوره هود، آیه ۴۵: ﴿رَبِّ إِنْ ابْنِي مِّنْ أَهْلِي﴾

«ای پروردگار من، پسر من از خاندان من بود.»

اشکال: این آیه به صورت جمله اسمیه و مبتدا و خبر آمده است نه فعلیه.

بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است:

«... ای پروردگار من، به راستی که پسر من از خانواده من است.»

۹۷- سوره هود، آیه ۸۱: ﴿... وَلَا يَلْتَفَتِ مِنْكُمْ أَحَدٌ...﴾

«و هیچ یک از شما روی بر نمی گرداند.»

اشکال: «لا» در «لَا يَلْتَفَتِ» ناهیه است نه نافیه.

بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و هیچ یک از شما نباید روی برگرداند.»

۹۸- سوره هود، آیه ۹۱: ﴿... وَ مَا أَنْتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ﴾

«و تو بر ما پیروزی نیابی.»

اشکال: آیه به صورت جمله اسمیه آمده، ولی مترجم آن را به صورت جمله فعلیه ترجمه نموده است.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

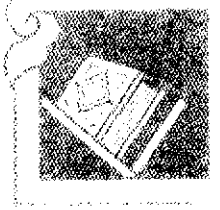
«و تو بر ما پیروز نیستی.»

۹۹- سوره یوسف، آیه ۱۸: ﴿وَ جَاؤُاْ عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرًا جَمِيلًا وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ﴾

«جامه اش را که به خون دروغین آغشته بود، آوردند. گفت: نفس شما، کاری را در نظرتان بیاراسته است.

اکنون برای من صبر جمیل بهتر است، و خداست که در این باره از او یاری باید خواست.»

اشکال: در ترجمه این آیه «علی» و «ما تصفون» نادیده



هذا

«ای یوسف، زبان خویش را نگه دار.»

اشکال: «أعرض عن هذا» معادل «زبان خویش را نگه دار» نیست، مترجم محترم مقام و جایگاه توضیح و تفسیر آیه را - در بعض موارد ترجمه خویش، از جمله در این مورد- به جایگاه ترجمه کشانده اند، درحالی که هریک از این دو، موضع ویژه خود را دارند.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«ای یوسف، از این [رویداد] روی بگردان.»

۱۰۲- سوره یوسف، آیه ۴۹: ﴿ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعَصِرُونَ﴾

«پس از آن سالی آید که مردمان را باران دهند و در آن سال افشردنیها را می فشرند.»

اشکال: «النَّاسُ» مرفوع و نایب فاعل است، اما مترجم محترم آن را به صورت مفعول به ترجمه نموده است.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«سپس بعد از آن، سالی می آید که در آن مردم باران یابند و در آن [سال] عصاره میوه گیرند.»

۱۰۳- سوره یوسف، آیه ۸۶: ﴿قَالَ إِنَّمَا أَشْكُوا بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ﴾

«گفت جز این نیست که شرح اندوه خویش را تنها با خدا می گویم.»

ترجمه دقیق تر آیه چنین است:

«گفت جز این نیست که از غم و اندوه خویش فقط به خدا شکوه می برم.»

توضیح آنکه «بَثٌّ» یعنی اندوه شدید و «حُزْنٌ» یعنی غم و غصه و «أَشْكُوا» یعنی شکوه می برم.

۱۰۴- سوره یوسف، آیه ۹۰: ﴿إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾

«زیرا هرکس که پرهیزگاری کند و شکیبایی ورزد، خدا مزدش را تباہ نمی سازد.»

اشکال: کلمه «المحسنين» در ترجمه نادیده گرفته شده و مترجم به جای آن ضمیر آورده است.

بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است:

«به راستی که هرکس پرهیزگاری کند و شکیبایی ورزد [پس بداند که] خدا پاداش نیکوکاران را تباہ نمی کند.»

۱۰۵- سوره یوسف، آیه ۹۱: ﴿قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ آتَرَكَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِن كُنَّا لَخَاطِئِينَ﴾

«گفتند: به خدا سوگند که خدا تو را بر ما فضیلت داد و ما خطاکار بودیم.»

اشکال: کلمه «لَقَدْ» و «إِن» مخففه از مثقله در ترجمه

نادیده گرفته شده است.

پس ترجمه دقیق تر آیه چنین است:

«گفتند: به خدا سوگند حقا که خدا تو را بر ما برتری داده است و به راستی که ما خطاکار بودیم.»

۱۰۶- سوره یوسف، آیه ۱۰۱: ﴿رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ﴾

«ای پروردگار من، مرا فرمانروایی دادی.»

اشکال: در ترجمه فوق «من» تبعیضیه و «قَدْ» حرف تأکید نادیده گرفته شده است. باتوجه به اینکه دستیابی

یوسف (ع) به مقام خزانه داری کشور به دستور فرمانروای مصر، جزئی از زمامداری و اداره کشور محسوب

می شود، ترجمه صحیح آیه چنین است:

«ای پروردگار من، به راستی که به من بهره ای از زمامداری را داده ای.»

۱۰۷- سوره یوسف، آیه ۱۰۶: ﴿وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ﴾

«و بیشترشان به خدا ایمان نیاورند مگر به شرك.»

ترجمه دقیق تر آیه چنین است:

«و بیشترشان به خدا ایمان نمی آورند مگر اینکه [در همان حال عملاً] مشرک اند!»

۱۰۸- سوره رعد، آیه ۵: ﴿أَءِذَا كُنَّا تُرَابًا أَعْنَا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَالْأَعْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ﴾

«آیا آن هنگام که خاک شویم از نو ما را بیافرینند؟ اینان به پروردگارشان ایمان ندارند بر گردنهایشان غلها باشد.»

اشکال: «أَعْنَا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ» جمله اسمیه است نه فعلیه مجهول؛ بنابراین ترجمه صحیح و دقیق آیه چنین است:

«آیا وقتی که خاک شدیم، به راستی در آفرینش جدیدی خواهیم بود؟ اینان همان کسان اند که به پروردگارشان کفر ورزیده اند و در گردنهایشان زنجیرهاست.»

۱۰۹- سوره رعد، آیه ۳۷: ﴿وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا حُكْمًا عَرَبِيًّا﴾

«همچنین قرآن را به زبان عربی نازل کردیم.»

اشکال: مترجم «حکماً» را به معنی «لساناً» گرفته است که صحیح نیست، بلکه حکم در اینجا به معنی

«فرمان» یا «داوری» یا «حکمت» می باشد. پس ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و همچنین قرآن را درحالی که فرمانی روشن است نازل کردیم.»

۱۱۰- سوره نحل، آیه ۶: ﴿وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ﴾

«و چون شب هنگام بازمی گردند و بامدادان بیرون می روند، نشان تجمل شمایند.»



چنین است:

۱- اگر «مَنْ» بدل از آیه ۱۰۵ باشد: «دروغ بافد» کسی است که بعد از ایمانش به خدا کفر ورزد مگر آن کس که مجبور شده [ولی] قلبش مطمئن به ایمان است ...»  
 ۲- اگر «مَنْ» شرطیه باشد:

«هر کس بعد از ایمان آوردنش به خدا کفر ورزد [عذابی سخت خواهد داشت] مگر آنکه مجبور شده [ولی] قلبش مطمئن به ایمان است، لیکن هر که سینه اش به کفر گشاده گردد، خشم خدا بر آنان است و برایشان عذابی بزرگ خواهد بود.»

۱۱۴- سوره نحل، آیه ۱۲۰: ﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّتًا قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَاكْم يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾

«ابراهیم بزرگوار مردی بود، به فرمان خدا برای ایستاد و صاحب دین حنیف بود و از مشرکان نبود.»

اشکال: «أُمَّتٌ» در اینجا به معنی «مقتدا و پیشوا» و یا «به طور مجازی در مورد فردی که جانشین ملت و تنها دارنده یک طرز فکر باشد» می باشد، لذا ترجمه آن به «بزرگوار مرد» چندان قابل توجیه نیست، ولی به هر حال چون معنی و مفهوم این واژه در اذهان روشن است بهتر است در ترجمه با همان لفظ خودش استعمال شود. و «حنیفاً» هم خبر ثالث کان است که به معنی «حقگرا» است.

بنابراین ترجمه بهتر آیه چنین است:

«همانا ابراهیم [به تنهایی] یک اُمت بود، خدا را با فروتنی فرمانبردار و حقگرا بود و از مشرکان نبود.»

۱۱۵- سوره نحل، آیه ۱۲۳: ﴿كُنتُمْ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعِ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَا مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾

«به تو نیز وحی کردیم که از آیین حنیف ابراهیم پیروی کن که او از مشرکان نبود.»

اشکال: «حَنِيفًا» حال است از ابراهیم، نه صفت برای «مِلَّةً»!

بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است:

«سپس به تو وحی کردیم که آیین ابراهیم حقگرای را پیروی کن و او از مشرکان نبود.»

۱۱۶- سوره اسراء، آیه ۱۸: ﴿مَنْ يُرِيدِ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ﴾

«هر کس که خواهان این جهان باشد هر چه بخواهد زودش ارزانی داریم.»

اشکال: مترجم محترم، «العاجلة» را در ترجمه از قلم انداخته و «نشاء» که فعل متکلم مع الغیر است اشتهاً به «یشاء» که مضارع مغایب است ترجمه شده است.

بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است:

«هر کس که این جهان گذران را خواهد، آنچه در آن

اشکال: «تُرِيحُونَ» و «تَسْرَحُونَ» فعل مخاطب جمع حاضرند نه جمع مغایب!

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و در آنها برای شما زیبایی است، آن گاه که [آنها را] شبانگاه از چراگاه برمی گردانید و هنگامی که [آنها را] به چراگاه می برید.»

گفتنی است که «تُرِيحُونَ» از مصدر «إِرَاحَةٌ» به معنی «بازگرداندن گله در موقع غروب یا شب» و «تَسْرَحُونَ» از مصدر «سَرَحَ» به معنی «برای چرا بیرون بردن» و «رها کردن» می باشد.

۱۱۱- سوره نحل، آیه ۳۲: ﴿الَّذِينَ تَتَوَفَّيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ﴾

«آنان که چون فرشتگان شان پاک سیرت بمیرانند.»

ترجمه بهتر آیه چنین است:

«آنان در حالی که پاک و پاکیزه اند، فرشتگان جانشان را می ستانند.»

۱۱۲- سوره نحل، آیه ۸۵: ﴿وَإِذَا رَأَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ...﴾

«و ستمگران عذاب را بنگرند ...»

اشکال- کلمه «إِذَا» در ترجمه از قلم افتاده است.

ترجمه صحیح آیه چنین است: «و چون کسانی که ستم کردند عذاب را ببینند ...»

۱۱۳- سوره نحل، آیه ۱۰۶: ﴿مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَ قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾

«کسی که پس از ایمان به خدا کافر می شود جز این نیست که او را به زور واداشته اند تا اظهار کفر کند و حال آنکه دلش به ایمان خویش مطمئن است، ولی آنان که در دل را به روی کفر می گشایند، مورد خشم خدایند و عذابی بزرگ برایشان مهیا است.»

اشکال: در این ترجمه چندین اشکال وجود دارد:

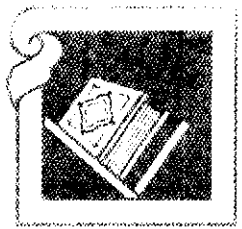
۱- مترجم محترم إلا را که به معنی «مگر» است به «إِنَّمَا» «جز این نیست» ترجمه نموده اند؛

۲- کلمه «أَكْرَهَ» به معنی «مجبور شده» است، نه به معنی «او را به زور واداشته اند» که معادل «أَكْرَهُهُ» می باشد؛

۳- در مورد «مَنْ» دو ترکیب محتمل است: ترکیب اول آنکه آن را موصوله و بدل از «الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» بآیات الله در آیه قبلیش بگیریم. و ترکیب دوم آنکه آن را شرطیه بدانیم. باتوجه به اشکال شماره ۱ و ۲، مبنای ترجمه مذکور با هیچ یک از این دو ترکیب سازگار نیست.

ترجمه صحیح آیه طبق هریک از دو ترکیب مذکور





برای هر که بخواهیم زودش ارزانی داریم .»

۱۱۷- سورة اِسْرَاءِ، آیه ۳۸: ﴿كُلُّ ذَلِكُمْ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا﴾

«همه این کارها ناپسند است و پروردگار تو آنها را ناخوش دارد.»

اشکال: ضمیر «سَيِّئُهُ» در ترجمه نادیده گرفته شده است. گویی مترجم آن را «سَيِّئَةُ» پنداشته است. بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است: «همه اینها بدش نزد پروردگار تو ناپسند است.»

۱۱۸- سورة اِسْرَاءِ، آیه ۱۰۸: ﴿وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا﴾

«می گویند منزّه است پروردگار ما، وعده پروردگار ما انجام یافتنی است.»

اشکال: در ترجمه «إِنْ» مخفّفة از مقفّلة نادیده گرفته شده است.

ترجمه دقیق آیه چنین است:

«می گویند: منزّه است پروردگار ما، به راستی که وعده پروردگار ما قطعاً انجام شدنی است.»

۱۱۹- سورة كهف، آیه ۱۶: ﴿وَإِذَا عَزَلْتَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْا إِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مِرفَقًا﴾

«اگر از قوم خود کناره جسته آید و جز خدای یکتا خدای دیگری را نمی پرستید، به غار پناه برید و خدا رحمت خویش را بر شما ارزانی دارد و نعمتستان را در آن مهیّا دارد.»

اشکال: مترجم محترم، «إِذَا» را که ظرف زمان ماضی است به «اگر» ترجمه نموده، و «يَعْبُدُونَ» را که فعل جمع مغایب است به صورت تَعْبُدُونَ یعنی فعل مخاطب، معنی کرده و همچنین «مِنْ أَمْرِكُمْ» را نادیده گرفته اند.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و چون از ایشان و آنچه جز خدا می پرستند کناره گرفتید، پس به غار پناه برید تا پروردگارتان از رحمتش بر شما بگستراند و از کارتان گشایشی فراهم سازد.»

۱۲۰- سورة كهف، آیه ۴۵: ﴿وَأَضْرِبْ لَهُمْ مَثَلِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ﴾

«برایشان زندگی دنیا را مثل بزن که چون بارانی است که از آسمان بیارد و با آنان گیاهان گوناگون به فراوانی برآید. ناگاه خشک شود و باد بر هر سو پراکنده اش سازد.»

اشکال: مترجم محترم، «أَنْزَلْنَا» را به صورت «أَنْزَلَ» ترجمه کرده که صحیح نیست.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و برایشان زندگی دنیا را مثل بزن که مانند آبی است آن را از آسمان فرورفستادیم پس گیاه زمین با آن درآمیخت، سپس خشک گردیده، بادهای پراکنده اش سازد.»

۱۲۱- سورة كهف، آیه ۵۱: ﴿مَا أَشْهَدْتُهُمْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلَقَ أَنْفُسِهِمْ وَمَا كُنْتُمْ تُخَدِّعُ الْمُضَلِّينَ عَمْدًا﴾

«آن گاه که آسمانها و زمین و خودشان را می آفریدم. از آنها یاری نخواستم. زیرا من گمراه کنندگان را به یاری نمی گیرم.»

اشکال: مترجم، جمله «مَا أَشْهَدْتُهُمْ» را که به معنی «آنها را به شهادت و گواهی نگرفتم» می باشد، به «از آنها یاری نخواستم» ترجمه نموده که صحیح نیست.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«من آنان را نه در آفرینش آسمانها و زمین به شهادت و گواهی گرفتم و نه در آفرینش خودشان. و من گمراه کنندگان را یار و مددکار نگرفتم.»

۱۲۲- سورة كهف، آیه ۶۰: ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَتِيهِ لَا أُبْرِحُ حَتَّىٰ أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا﴾

«و موسی به شاگرد خود گفت: من همچنان خواهم رفت تا آنجا که دو دریا به هم رسیده اند، یا می رسم، یا عمرم به سر می آید.»

اشکال: ترجمه «أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا» به «یا می رسم، یا عمرم به سر می آید» ترجمه ای مناسب و سازگار با متن نیست و «أَبْلُغُ» یعنی «می رسم» نه اینکه «رسیده اند»؛ چنان که مترجم ترجمه نموده است.

ترجمه دقیق آیه چنین است:

«و [یاد کن] هنگامی که موسی به جوان [همراه] خود گفت: من پیوسته خواهم رفت تا به محل برخورد دو دریا برسم، یا سالهایی دراز راه پویم.»

۱۲۳- سورة كهف، آیه ۶۶: ﴿قَالَ لَهُ مُوسَى هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا﴾

«موسی گفتش: آیا با تو بیایم تا آنچه به تو آموخته اند به من بیاموزی؟»

اشکال: کلمه «رُشْدًا» در ترجمه از قلم افتاده است.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

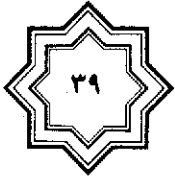
«موسی به او گفت: آیا تو را پیروی کنم، به شرط اینکه از بینشی که آموخته شده ای به من بیاموزی؟»

تذکر: در ترکیب «رُشْدًا» چهار وجه محتمل است:

۱- مفعول دوّم برای «تُعَلِّمَنِي» باشد، زیرا یاء تُعَلِّمَنِي مفعول اوّل است؛

۲- مفعولاً لاجله باشد؛

۳- حال باشد؛



۱۲۹- سوره طه، آیه ۱۳۲: ﴿وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى﴾

«و عاقبت خیر از آن پرهیزگاران است.»

اشکال: در این آیه کلمه «تقوی» ذکر گردیده نه «متقین».

پس ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و سرانجام [نیک] برای پرهیزگاری است.»

۱۳۰- سوره انبیاء، آیه ۳۵: ﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَ نَبَلُّوْكُمْ بِالْشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَ اِلَيْنَا تُرْجَعُونَ﴾

«هرکسی طعم مرگ را می چشد. و شما را به خیر و

شر می آزمایشیم. و همه به نزد ما بازمی گردید.»

اشکال: «فتنة» که مفعول مطلق نوعی است در ترجمه آیه نادیده گرفته شده است.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«هر نفسی چشنده مرگ است و شما را به نوعی

آزمایش - به خیر و شر - می آزمایشیم و به سوی ما بازگردانیده می شوید.»

تذکر: در ترجمه نفس، چون مفهوم و معنای آن در اذهان روشن و معلوم است، از خود این واژه استفاده کردیم تا شامل هر نوع «جاننداری» بشود.

۱۳۱- سوره انبیاء، آیه ۲۷: ﴿خُلِقَ الْاِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَاوِرِيْكُمْ اَيَاتِيْ فَاَلَا تَسْتَعْجِلُوْنَ﴾

«آدمی شتابکار آفریده شده، آیات خود را به شما نشان

خواهم داد، شتاب مکنید.»

اشکال: در این ترجمه «من» و «بإيه متكلم وحده» فلا

تَسْتَعْجِلُونَ [=نی] نادیده گرفته شده است.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«انسان از شتاب آفریده شده است. به زودی آیاتم را به

شما می نمایانم پس [عذاب را] به شتاب از من نخواهید.»

۱۳۲- سوره انبیاء، آیه ۳۸: ﴿وَ يَقُولُوْنَ مَتَى هَذَا الْوَعْدِ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِيْنَ﴾

«می گویند: اگر راست می گویند، پس آن وعده

کجاست؟»

اشکال: مترجم، «هذا» را در معنای «ذلك» ترجمه

نموده است. بهتر است چنین ترجمه شود: «و می گویند:

اگر راستگو هستید، این وعده [رستاخیز] کی خواهد بود؟»

۱۳۳- سوره انبیاء، آیه ۳۹: ﴿لَوْ يَعْلَمُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا حَسِيْنَ لَا يَكْفُوْنَ عَنْ وُجُوْهِهِمُ النَّارَ وَ لَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَ لَا هُمْ يُنصَرُوْنَ﴾

«کافران آن گاه که نتوانند آتش را از چهره و پشت

خوش بازدارند و کسی به یاریشان برنخیزد خواهند دانست.»

اشکال: مترجم، «لو» شرطیه غیر جازم را نادیده گرفته

۴- مفعول مطلق برای فعلی محذوف باشد.

و ترجمه مذکور بنا بر احتمال اول است.

۱۲۴- سوره كهف، آیه ۹۹: ﴿وَ تَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوْجُ فِيْ بَعْضٍ وَ نَفَخَ فِي الصُّوْرِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا﴾

«و در آن روز واگذاریم تا چون موج روان گردند، و

چون در صور بدمند همه را یکجا گرد آوریم.»

اشکال: «بَعْضُهُمْ ... يَمُوْجُ فِي بَعْضٍ» یعنی «بعضی

شان با بعضی درهم موج می زنند» نه اینکه «چون موج روان گردند.»

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و در آن روز که بعضی از آنها با بعضی درهم موج

می زنند رهانشان سازیم. و [چون] در صور دمیده شود،

همه آنها را یکجا فراهم آوریم.»

۱۲۵- سوره مریم، آیه ۱۸: ﴿قَالَتْ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْكَ اِنْ كُنْتَ تَقِيًّا﴾

«مریم گفت: از تو به خدای رحمان پناه می برم که

پرهیزگار باشی.»

اشکال: «إن» شرطیه در ترجمه لحاظ نگردیده است،

گویی مترجم آن را مخففة از متقله پنداشته است.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«مریم گفت: اگر پرهیزگاری، من از تو به خدای

رحمان پناه می برم.»

۱۲۶- سوره طه، آیه ۲۴: ﴿اِذْهَبْ اِلَى فِرْعَوْنَ اِنَّهُ طَغٰى﴾

«نزد فرعون برو که سرکشی می کند.»

اشکال: «طغى» فعل ماضی است نه مضارع.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«به سوی فرعون برو، به راستی که او به سرکشی

برخاسته است.»

۱۲۷- سوره طه، آیه ۱۱۱: ﴿وَ قَدْ خَابَ مِنْ حَمَلٍ ظَلْمًا﴾

«و هر بار که کفر بر دوش می کشد نومید می گردد.»

اشکال: مترجم «ظلم» را به کفر ترجمه نموده که

صحیح نیست و با این ترجمه دایره ظلم را کوچک و

محدود نموده است؛ اگرچه کفر مصداقی از ظلم است.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و حقاً هر که بار ستم برداشت ناامید گردید.»

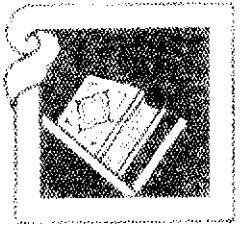
۱۲۸- سوره طه، آیه ۱۲۳: ﴿قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيْعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ﴾

«گفت همگی از آنجا پایین روید، دشمنان یکدیگر.»

ترجمه دقیق تر آیه چنین است:

«گفت: هر دو باهم از آنجا فرود آیدید که بعضی از شما

دشمن بعضی دیگر خواهد بود.»



و «لَوْ يَعْلَمُ» را در معنای «لَيَعْلَمُ» تصور نموده است.

ترجمه صحیح آیه چنین است: «اگر کسانی که کفر ورزیدند می دانستند آن گاه که نتوانند آتش را از چهره های خود و نه از پشتشان بازدارند و نه یاری شوند [عذاب را به شتاب نمی خواستند].»

تذکر: واضح است که جمله «لَمَّا اسْتَعْجَلُوا الْعَذَابَ» مخذوف مقدر و جواب لو شرطیه است.

۱۳۴- سوره حج، آیه ۳۳: ﴿لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحْلَاهَا إِلَىٰ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾

«از آن شتران قربانی تا زمانی معین سود برید، سپس جای قربانیان در آن خانه کهنسال است.»

اشکال: مترجم قسمت اول آیه را که جمله اسمیه است، به صورت فعلیه ترجمه نموده است.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«برای شما در آن [چهارپایان] تا مدتی معین سودهایی است، سپس جایگاه [قربانی آنها] به [وقت رسیدن در] آن خانه کهنسال است.»

۱۳۵- سوره مؤمنون، آیه ۸۸: ﴿... وَهُوَ يُجِيرُ وَ لَا يُجَارُ عَلَيْهِ﴾

«که به همه کس پناه دهد و کسی را از او پناه نیست.»  
اشکال: ترجمه «لَا يُجَارُ عَلَيْهِ» به «کسی را از او پناه نیست» صحیح نیست.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«او او پناه می دهد و برخلاف [خواست] او [کسی] پناه داده نشود.»

۱۳۶- سوره نور، آیه ۱۰: ﴿وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ وَ أَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ﴾

«چه می شد اگر فضل و رحمتی که خدا بر شما ارزانی داشته است نمی بود؟ اگر نه این بود که خدا توبه پذیر و حکیم است.»

ترجمه دقیق آیه چنین است:

«اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نمی بود و اینکه خدا توبه پذیر و حکیم است [گرفتار مجازات می شدید].»  
و همچنین است ترجمه آیه ۲۰ همین سوره مبارکه.

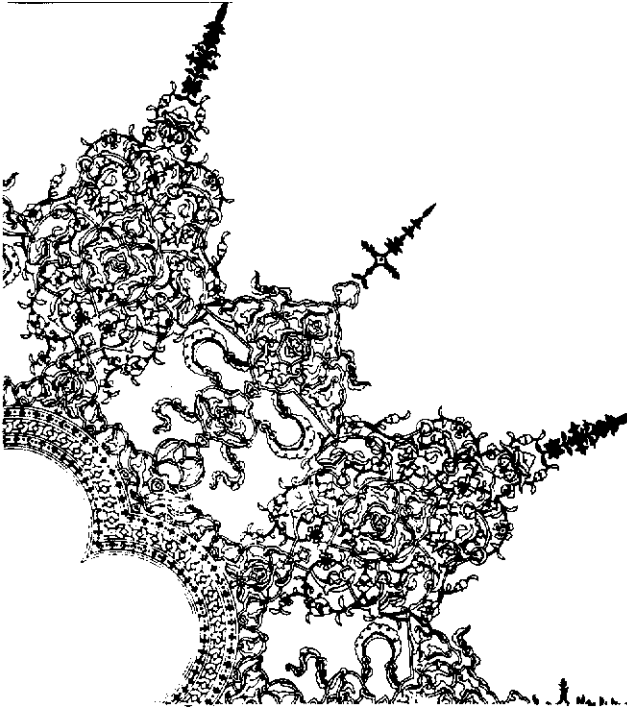
۱۳۷- سوره شعراء، آیه ۳۲: ﴿فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ﴾

«عصایش را انداخت، به آشکارا ازدهایی شد.»  
اشکال: در ترجمه «إِذَا»ی فجائیه نادیده گرفته شده است.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«پس عصایش را انداخت، ناگهان آشکارا ازدهایی شد.»

۱۳۸- سوره شعراء، آیه ۴۴: ﴿... قَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ



إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ﴾

«گفتند: به عزت فرعون که ما پیروز شدیم.»

ترجمه دقیق تر آیه چنین است:

«گفتند به عزت فرعون، به راستی که ما خود هر آینه پیروزیم.»

۱۳۹- سوره شعراء، آیه ۱۷۱: ﴿إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ﴾

«مگر پیرزنی که خواست بماند.»

ترجمه دقیق تر آیه چنین است:

«مگر پیرزنی در [میان] بازماندگان.»

۱۴۰- ﴿وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْلُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ﴾

«به مردم کم مدهید و بی باکانه در زمین فساد مکنید.»

ترجمه دقیق تر آیه چنین است:

«و کالای مردم را مکاهید و تبهکارانه در زمین فساد مکنید.»

۱۴۱- سوره قصص، آیه ۱۰: ﴿...إِن كَادَتْ لَتُبْدَىٰ بِهِ﴾

«نزدیک بود که آن راز را فاش سازد.»

باتوجه به اینکه «إِن» در اینجا مخففة از مشقّه است،

ترجمه دقیق تر آیه چنین است:

«هر آینه نزدیک بود که [آن راز را] فاش سازد.»

۱۴۲- سوره قصص، آیه ۵۳: ﴿وَإِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا...﴾

«و چون بر آنان تلاوت شد، گفتند: ...»

اشکال: «يُتْلَى» فعل مضارع مجهول است نه ماضی.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و چون بر ایشان خوانده شود، گویند: ...»

۱۴۳- سوره قصص، آیه ۶۶: ﴿فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ



سرانجام بدانچه به آنان دادیم ناسپاسی می‌ورزند و برخوردار می‌جویند، زودا که بدانند.

و همچنین است در آیه ۳۴ سوره روم:  
﴿لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ﴾

که ترجمه صحیح آن چنین است:

«سرانجام بدانچه به آنان دادیم ناسپاسی می‌ورزند.

[بگو: ] برخوردار شوید زودا که خواهید دانست.

۱۴۵- سوره روم، آیه ۴۳: ﴿...يَوْمَئِذٍ يَصُدَّعُونَ﴾

«در آن روز مردم دو گروه شوند.

ترجمه دقیق تر آیه چنین است:

«در آن روز مردم پراکنده و دسته دسته می‌شوند.»

گفتنی است که «يَصُدَّعُونَ» از مصدر «تَصَدَّعَ» در دو

معنی استعمال شده است:

۱- شکاف برداشتن، ترک خوردن، تکه تکه شدن؛

۲- متفرق شدن، پراکنده شدن.

۱۴۶- سوره احزاب، آیه ۴۹: ﴿... فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ

عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا﴾

«شما را بر آنها عده‌ای نیست که به سر آرند.»

اشکال: فعل «تَعْتَدُونَ» در اینجا، جمع مذکر مخاطب

است نه جمع مغایب مؤنث.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«... پس برای شما بر آنها هیچ گونه عده‌ای نیست که

آن را بشمارید.»

توضیح: آیه شریفه درباره زنانی است که به عقد

ازدواج مؤمنین درآمده باشند، ولی پیش از همخوابگی،

شوهرانشان آنان را طلاق دهند که در این صورت لازم

نیست چنین زنان مطلقه، عده نگه بدارند، لذا می‌فرماید:

«برای شما مردان در این صورت، بر چنین زنانی حقی

نیست که عده آنها را بشمارید و آنان را به نگه داشتن عده

وادارید.»

۱۴۷- سوره سبأ، آیه ۱۴: ﴿قَلَمًا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ

مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهِ إِلَّا دَابَّةُ الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنْسَأَتَهُ﴾

«چون حکم مرگ را بر او رانندیم، حشره‌ای از

حشرات زمین مردم را بر مرگش آگاه کرد.»

اشکال: در ترجمه آیه «ما» نافی و «إلا» ای استثناییه

نادیده گرفته شده است و مراد از «دَابَّةُ الْأَرْضِ» موربانه

است.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

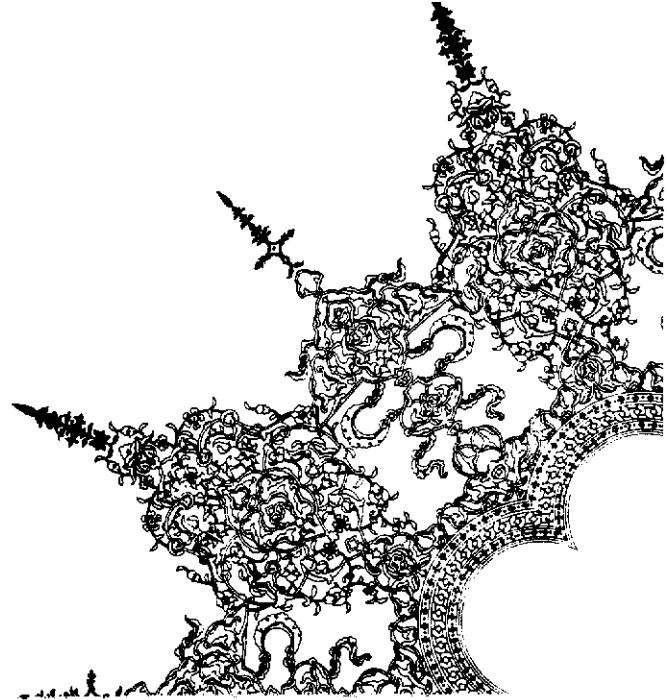
«پس چون حکم مرگ را بر او رانندیم، آنان را بر مرگ

او رهنمون نکرد مگر موربانه که عصایش را می‌خورد.»

۱۴۸- سوره صافات، آیه ۱۹: ﴿قَلْنَمَا هِيَ زَجْرَةٌ

وَاحِدَةٌ فَإِنَّا هُمْ يَنْظُرُونَ﴾

«و آنان خود خواهند دید که به یک فرمان همه را زنده



يَوْمَئِذٍ

«در این روز همه چیز از یادشان برود.»

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«پس در این روز خبرها بر ایشان پوشیده ماند.»

تذکر: «عمی» که مصدر است در سه معنی استعمال

شده است:

۱- پنهان شدن، مبهم شدن، پوشیده شدن؛

۲- کوری، نابینا بودن (حسی)؛

۳- ضلالت، کوردلی، انحراف (معنوی).

و جمع آن «عمی و عمیان، عمی و عمون، عمین.» و

صفت مشبّه آن «اعمی» می‌باشد.

۱۴۴- سوره عنکبوت، آیه ۶۴ و ۶۵: ﴿فَإِذَا رَكِبُوا

فِي الْفُلِكِ دَعَاؤُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّيَهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا

هَمْ يُشْرِكُونَ لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ

يَعْلَمُونَ﴾

«و چون به کشتی نشستند خدا را باخلاص در دین

خواندند و چون نجاتشان داد و به خشکی آورد، شرك

آوردند؛ تا نعمتی را که به آنان عطا کرده بودیم کفران کنند

و برخوردار شوند، زودا که خواهند دانست.»

اشکال: ۱- همان طور که در اشکال شماره ۲۷ و

پانوش آن متذکر شدیم، عرب فعل ماضی را در هشت

جا به معنی مضارع استعمال می‌کند که یکی از آن موارد

بعداز «إذا» می‌باشد.

۲- لام در «لِيَكْفُرُوا» و «لِيَتَمَتَّعُوا» لام «عاقبت» است نه

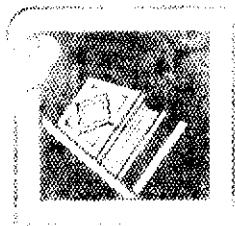
لام علت.

بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است:

«پس چون در کشتی سوار شوند خدا را باخلاص در

دین بخوانند و چون به سوی خشکی برهاندشان، به ناگاه

شرك می‌ورزند.



می کنند.

اشکال: مترجم محترم «زَجْرَةَ» را به معنی «فرمان» گرفته اند! که در هیچ کتاب و فرهنگ لغاتی به این معنی نیامده است!

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«پس جز این نیست که آن یک فریاد است، و به ناگاه ایشان می نگرند.»

تذکر: «زَجْرَةَ» در چهار معنی به کار رفته است:

۱- راندن، حرکت دادن؛ ۲- فریاد زدن؛ ۳- بازداشتن، جلوگیری کردن؛ ۴- طرد کردن کسی با آواز مهیب.

۱۴۹- سوره صافات، آیه ۵۴: ﴿قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُطْعُونَ﴾

«گوید: می توانید از بالا بنگرید.»

ترجمه دقیق تر آیه چنین است:

«گوید: آیا شما اطلاع دارید [که کجايند؟]»

۱۵۰- سوره صافات، آیه ۱۵۰: ﴿أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنَاثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ﴾

«آیا وقتی را ما ملائکه را زن می آفریدیم آنها می دیدند؟»

ترجمه دقیق تر آیه چنین است:

«یا اینکه ما فرشتگان را ماده آفریدیم و آنها شاهد بودند؟»

۱۵۱- سوره صافات، آیه ۱۵۵: ﴿أَفَلَا تَذَكَّرُونَ﴾

«آیا نمی اندیشید؟»

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«آیا پند نمی گیرید؟»

۱۵۲- سوره صافات، آیه ۱۶۷: ﴿وَإِنْ كَانُوا لَيَقُولُنَّ﴾

«گرچه می گویند.»

اشکال: «إِنْ» مخففه از مثقله است نه شرطیه و نه

وصلیه.

پس ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و هر آینه [مشرکان] به تأکید می گفتند.»

۱۵۳- سوره ص، آیه ۳۳: ﴿رُدُّوْهَا عَلَيَّ فَمَطْلَقٌ مَسْحًا

بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ﴾

«آن اسبان را نزد من بازگردانید، پس به بریدن ساقها و

گردنشان آغازید.»

اشکال: «مَسْحًا بِالسُّوقِ» یعنی «دست کشیدن بر

ساقها» نه «بریدن». و مبنای مفسرین و مترجمینی که

«مَسْحًا» را در اینجا، «بریدن» معنی کرده اند روایت

مجمعولی است که در این باره نقل گردیده است. برای

توضیح بیشتر به تفسیر المیزان، ج ۱۷، صفحه ۲۰۳ و

تفسیر نمونه جلد ۱۹، صفحات ۲۷۰ تا ۲۷۷ رجوع

کنید.

بنابراین ترجمه صحیح آیه چنین است:

«گفت آنها را نزد من بازگردانید، پس شروع کرد به

دست کشیدن بر ساقها و گردن [آنها].»

۱۵۴- سوره زمر، آیه ۵: ﴿يَكُونُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَ

يَكُونُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ﴾

«شب را به روز داخل می کند و روز را بر شب.»

اشکال: «تکویر» به معنی «درهم پیچیدن» است نه

داخل کردن.

پس ترجمه صحیح آیه چنین است:

«شب را به روز درمی پیچد و روز را به شب

درمی پیچد.»

۱۵۵- سوره مؤمن، آیه ۴۴: ﴿... وَأَقْوَضُ أَمْرِي إِلَى

اللَّهِ﴾

«و من کار خویش را به خدا واگذار کردم.»

اشکال: «أَقْوَضُ» فعل مضارع است نه ماضی!

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و کارم را به خدا واگذار می کنم.»

۱۵۶- سوره فصلت، آیه ۴۷: ﴿إِلَيْهِ يَرُدُّ عِلْمَ

السَّاعَةِ﴾

«علم به روز قیامت نزد اوست.»

ترجمه دقیق تر آیه چنین است:

«علم به روز قیامت به او بازگردانیده می شود.»

۱۵۷- سوره شوری، آیه ۴۷: ﴿... وَمَا لَكُمْ مِنْ

نَكِيرٍ﴾

«و نه کسی از شما دفاعی تواند کرد.»

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«و برای شما [جای] هیچ انکاری نیست.»

۱۵۸- سوره زخرف، آیه ۲۲: ﴿بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا

إِبَاءَنَا عَلَى أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَى آثَارِهِمْ مُهْتَدُونَ﴾

«نه، می گویند: پدرانمان آیینی داشتند و ما از پی آنها

می رویم.»

ترجمه دقیق تر آیه چنین است:

«بلکه گفتند: ما پدرانمان را بر آیینی یافته ایم و هر آینه

ما بر پی ایشان ره یافته ایم.» و همین گونه است آیه ۲۳

همین سوره.

۱۵۹- سوره زخرف، آیه ۱۸: ﴿أَوَ مَنْ يَنْشُؤُ فِي

الْحَلِيَّةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ﴾

«آیا آن که به آرایش پرورش یافته و در هنگام جدال

آشکار نمی گردد، از آن خداست؟»

ترجمه دقیق تر آیه چنین است:

«و آیا آن که در زیور پرورش یافته و در هنگام جدال

[بیانش] روشن نیست، [شریک خداست؟]»



۱۶۰ - سوره زخرف، آیه ۵۴: ﴿فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ قَاتَاعُوهُ﴾  
 «پس قوم خود را گمراه ساخت تا از او اطاعت کردند.»  
 اشکال: «استخف» یعنی «سبک شمرد» نه اینکه «گمراه ساخت».

ترجمه صحیح آیه چنین است:  
 «پس قوم خویش را سبک شمرد [و دلیلشان کرد] لذا از او اطاعت کردند.»  
 ۱۶۱ - سوره زخرف، آیه ۵۷: ﴿وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُونَ﴾  
 «و چون داستان پسر مریم آورده شد، قوم تو به شادمانی فریاد زدند.»  
 ترجمه صحیح آیه چنین است:  
 «و چون پسر مریم [به نداشتن پدر] ضرب المثل شد، ناگهان قوم تو از آن [سخن، به خنده و مسخره] فریاد برداشتند.»  
 ۱۶۲ - سوره احقاف، آیه ۳۵: ﴿... كَانْتُمْ يَوْمَ يَرُونَ مَا يُوْعَدُونَ لَمْ يُبْثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّن نَّهَارٍ﴾  
 «آن روزی که آن وعده ای را به آنها داده شده بنگرند، پندارند که جز به قدر ساعتی از روز در گور درنگ نکرده اند.»  
 اشکال: مراد از این درنگ، درنگ مردمان در دنیاست نه در گور.  
 ترجمه صحیح آیه چنین است:  
 «روزی که آنچه را وعده داده شوند بنگرند، گویی که آنان جز ساعتی از روز [در دنیا] درنگ نکرده اند.»  
 ۱۶۳ - سوره فتح، آیه ۱ و ۲: ﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ﴾  
 «ما برای تو پیروزی نمایانی را مقدر کرده ایم. تا خدا گناه تو را آنچه پیش از این بوده و آنچه پس از این باشد برای تو بپامزد.»  
 اشکال: باید دانست که «ما تأخر» به معنی «ما یاتی» نیست، مترجمان قرآن معمولاً «ما تأخر» را به «گناهان آینده» ترجمه نموده اند و این از جهت دقت نکردن در لفظ آیه است، زیرا «ما تقدّم و ما تأخر» هر دو فعل ماضی هستند و دلیلی نداریم که در یک جمله آن هم با سیاق واحد، دو فعل ماضی را یکی به همان معنای ماضی و دیگری را به معنای مضارع بگیریم (یک بام و دو هوا؟!)  
 علاوه بر این، آمرزش گناهی که هنوز تحقق پیدا نکرده چه معنای معقولی دارد؟ بنابراین معنای معقول «ما تقدّم و ما تأخر» آنچه بوده و هست یعنی «قدیم و جدید تاکنون» است. نه آینده ای که هنوز نیامده است. به

یک نکته تفسیری: به احتمال ارجح منظور از ذنب در این آیه، نوعی بی تابی و روزشماری پیامبر اکرم (ص) برای دستیابی به پیروزی بود، و آیه ﴿وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصْرُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ﴾<sup>(۱)</sup> یعنی: «تا آنجا که پیامبر و مؤمنانی که با او بودند، گفتند: پس یاری خدا کی خواهد رسید؟ بدان که یاری خدا نزدیک است.» می تواند مؤید این احتمال باشد، و از آنجا که حسنات الأبرار سیئات المقربین به حساب می آید. این نوع از بی تابی رسول خدا (ص) برای دستیابی به فتح، نسبت به شأن و مقام آن حضرت یک نوع ذنب تلقی می شود و برای این «ترك أولى» لازم است که پیامبر (ص) طلب غفران کند.

ضمناً با این تفسیر، رابطه فتح و غفران از ذنب در آیه شریفه سوره فتح هم معلوم می گردد. و همین توجیه و تفسیر درباره سوره نصر نیز در ﴿إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحِ... وَاسْتَغْفِرُهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا﴾ صادق است.

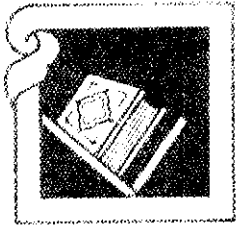
۱۶۴ - سوره حجرات، آیه ۱۴: ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُل لَّمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِن قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ﴾  
 «اعراب بادیه نشین گفتند: ایمان آوردیم. بگو: ایمان نیاورده اید، بگویید: که تسلیم شده ایم و هنوز ایمان در دلهایتان داخل نشده است.»

تذکر: هر چند که «أسلمنا» به معنی «تسلیم شده ایم» است، اما چون در اینجا در مقابل «ایمان» قرار گرفته است، بهتر است به «اسلام آورده ایم» ترجمه شود. و پرواضح است که اسلام هم همان تسلیم شدن در مقابل پروردگار عالم است.

پس ترجمه دقیق تر آیه چنین است:  
 «بادیه نشینان گفتند: ایمان آوردیم. بگو: ایمان نیاورده اید، لیکن بگویید: اسلام آورده ایم. و هنوز ایمان در دلهای شما داخل نشده است.»

۱۶۵ - سوره قمر، آیه ۲: ﴿وَإِن يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَ يَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ﴾  
 «و اگر معجزه ای ببینند، روی بگردانند و گویند: جادویی بزرگ است.»  
 اشکال: «مستمر» به معنی «مداوم» است نه «بزرگ».

ترجمه صحیح آیه چنین است:



«و اگر معجزه ای ببینند، گویند: سحری همیشگی است.»

۱۶۶- سوره قمر، آیه ۳: ﴿... وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقَرٌّ﴾

«و هر کاری را هدفی است.»

ترجمه دقیق تر آیه چنین است:

«و هرکاری قرار گیرنده [در جایی] است.»

۱۶۷- سوره انفطار، آیه ۱۵: ﴿يَصْلَوْنَهَا يَوْمَ

الدِّينِ﴾

«در روز شمار به جهنم درآیند.»

اشکال: معادل فارسی «دین»، «پاداش» است نه

شمار.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«روز پاداش در آن درآیند.»

۱۶۸- سوره بروج، آیه ۴: ﴿قَتَلَ أَصْحَابُ الْأَخْذُودِ﴾

«که اصحاب اخدود به هلاکت رسیدند.»

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«مرگ بر صاحبان خندق [که بی گناهان را در آن

سوزاندند].»

۱۶۹- سوره غاشیه، آیه ۲: ﴿وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ﴾

«در آن روز وحشت در چهره ها پدیدار است.»

ترجمه دقیق تر آیه چنین است:

«در آن روز چهره هایی افتاده و زبون اند.»

۱۷۰- سوره فجر، آیات ۲۵ و ۲۶: ﴿فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ

عَذَابَهُ أَحَدٌ وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ﴾

«در آن روز چون عذاب او کس را عذاب نکنند، و

همانند او کس را به زنجیر نکشند.»

اشکال: «یوثق» فعل معلوم و فاعل آن «أحد» و «وثاق»

نیز که معنای مصدری دارد مفعول مطلق است برای یوثق.

و همچنین است «یُعذَّب». اما مترجم، دو فعل «یوثق» و

«یُعذَّب» که معلوم اند به صورت مجهول ترجمه کرده اند.

ترجمه صحیح آیه چنین است:

«پس در آن روز هیچ کس چون عذاب کردن او، عذاب

نکند. و هیچ کس چون در بند کشیدن او، در بند نکشد.»

تذکر: بعضی از قراء، «لا یُعذَّب» و «لا یوثق» را به

صیغه مجهول قرائت کرده اند. پرواضح است که اشکال

مذکور فقط مبنی بر قرائت معمول است.

### مواردی از اغلاط چاپی یا قلم افتادگیهای جزئی

نادرست	درست	نادرست	درست
۹- صفحه ۵۸۰، ترجمه آیه ۱۹، سوره انسان:	«چون بنگری، هرچه بنگری نعمت فراوان است.»	۱- صفحه ۷، ترجمه آیه ۳۷، سوره بقره:	«زیرا او توبه پذیر و مهربان است.»
«چون آنجا بنگری، هرچه بنگری نعمت فراوان است.»	«چون بنگری، هرچه بنگری نعمت فراوان است.»	۲- صفحه ۱۰۶، سوره بقره (پانوش):	«... می گویند: خدا، مسیح و مریم، اقنومهای سه گانه اند.»
«گفت: این از بخشش پروردگار من است.»	«گفت: این بخشش پروردگار من است.»	۳- صفحه ۱۸۹، ترجمه آیه ۶ از سوره بقره:	«سپس به مکانی امنش برسان.»
«میوه اش همانند سرهای شیاطین است.»	«میوه اش همانند سر شیاطین است.»	۴- صفحه ۲۹۹، ترجمه آیه ۴۳ سوره کهف:	«او را گروهی که به یاریش برخیزند نبود.»
«از افشای پاره ای دیگر سر باز زد؛ و چون پیامبر زن را از آن آگاه کرد، زن گفت:»	«از افشای پاره ای دیگر سر باز زد؛ زن گفت:»	۵- صفحه ۳۰۵، ترجمه آیه ۱۱۰ سوره کهف:	«بگو: من انسانی هستم همانند شما.»
		«بگو: من فقط انسانی هستم همانند شما.»	



### اغلاط و لغزشهای تحریری خطاط

در رسم الخطّ قرآن، چاپ انتشارات سروش، به خطّ آقای حبیب الله فضائلی، چاپ دوم، سال ۱۳۶۸، با ترجمه آقای عبدالمحمد آیتی، خطاط محترم در چند مورد لغزشهایی تحریری برجای نهاده اند که یادآوری آنها برای اصلاح در چاپهای بعدی ضرورت دارد:

۱- در صفحه دوم، سر صفحه سوره حمد، در قسمت تذهیب، در دو طرف «سُورَةُ الْفَاتِحَةِ» به ضمه تاء گرد در کلمه «فاتحة» نوشته اند، که باید به کسر (ة) باشد چون مضاف الیه است.

۲- در صفحه سوم، سر صفحه سوره بقره، در قسمت تذهیب در دو طرف صفحه، «سُورَةُ الْبَقَرَةِ» نوشته اند. که باید (ة) البقرة مکسور باشد نه مضموم.

۳- در سوره اعراف، آخر آیه ۱۹۵ ﴿فَلَا تَنْظُرُونَ﴾ را به فتح نون نوشته اند که باید به کسر نون باشد، زیرا کسره

بدل از یاء متکلم وحده است.

۴- همچنین در سوره یوسف، آیه ۹۴ ﴿لَوْلَا أَن تَقْنَدُونَ﴾ را به فتح نون نوشته اند که باید به کسر نون باشد چون کسره عوض از یاء متکلم وحده است.

۵- عناوین «سوره» و «جزء» در تمام سر صفحه ها، یکنواخت نیست، مثلاً در تمام سر صفحه ها می بایست عنوان «سوره...» در طرف راست صفحه و عنوان «الجزء...» در طرف چپ صفحه باشد، ولی متأسفانه این ترتیب مراعات نشده و بلکه حالت نامنظمی و آشفتگی به خود گرفته است.

۶- در رسم الخطّ عربی تمام کلمات همزه دار که به صورت (الف) نوشته می شود، با علامت (ء) همراه است؛ مثل: إِنَّ، أُولَئِكَ، أصحاب، ولی خطاط محترم این نکات را رعایت ننموده اند.

